

اردی کار، اتحاد بین المللی خود را به نمایش گذاشت

(گزارش مراسم روز جهانی کارگر)

در کشورهای هائی نظیر ایران که آزادی سیاسی وجود ندارد و کارگران از تشکل های مستقل و آزادی برگزاری مراسم اول ماه محرم اند، نمی توانند در ابعادی میلیونی به خیابان ها بپرسند و همبستگی بین المللی خود را آشکارا با تظاهرات و راهپیمایی ابراز دارند. با این وجود امسال در سراسر ایران کارگران به اشکال مختلف مراسم اول ماه مه را برگزار کردند. تشکل دولتی - پلیسی موسوم به خانه کارگر کوشید با گنجاندن تعدادی از مطالبات کارگران

میلیونها کارگر، در سراسر جهان روز اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران را با راهپیمایی و تظاهرات، تجمع و سخنرانی جشن گرفتند و اتحاد جهانی اردی کاررا در برابر دنیا سرمایه به نمایش گذاشتند. در کشورهای که آزادی سیاسی وجود دارد و کارگران از آزادی اجتماع و راهپیمایی و تشکل های مستقل سیاسی و صنفی برخوردارند، مراسم اول ماه مه در پاره ای مواردبا حضور صدها هزار و چند میلیون کارگر برگزار شد.



صفحه ۳

تظاهرات

اول ماه مه

در تهران

در این شماره

یادداشت‌های سیاسی

گزارش نماینده کمیسیون حقوق بشر پیرامون اوضاع ایران
اعتراضات علیه اجلاس موسسات مالی سرمایه داری
اخباری از ایران
اخبار کارگری جهان

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان در یک ماه گذشته

صفحه ۱۶

صفحه ۱۳

صفحه ۱۳

صفحه ۶

صفحه ۱۱

صفحه ۱۵

از میان

نشریات

* بیانیه کومله، نمودی تسلیم طلبانه و آستانه چرخش به راست !

* خط مشی اپرتوئیستی با اپرتوئیسم سازمانی توأم است !

حران سیاسی عمیق تر

و

لحظه انقلاب نزدیک تر می شود

رویدادهای سیاسی اخیر در ایران که با یک رشتہ اعتراضات توده ای، درگیریهای سیاسی جناحهای هیئت حاکمه، تشید اقدامات سرکوب گرانه از جمله دستگیری صدها تن از مردم معارض، توقیف ۱۶ روزنامه و هفته نامه، باز داشت تعدادی از روزنامه نگاران همراه بود، به وضوح ناتوانی هردو جناح هیئت حاکمه در کنترل بحران و بالنتیجه اجتناب ناپذیری تعیق بحران سیاسی را نشان دادند.

در جریان چند روز پر تلاطم، گردهم آئی ها، تظاهرات و شورش هائی پی در پی در تعدادی از شهرهای ایران به وقوع پیوست. در خالص مردم دو روز شهر را در کنترل خود گرفتند. تقریباً اغلب مراکز دولتی و ارگانهای سرکوب مورد حمله قرار گرفت. مردم معارض به فرمانداری، ستاد امریبه معروف و نهی از منکر، کمیته امداد امام، راهنمائی و رانندگی، مدرسه علوم دینی جعفریه، کلیه بانکها و تعدادی از مراکز دیگر حمله کردند و برخی را به آتش کشیدند. در رشت نیز توده مردم با نیروهای سرکوب درگیر شدند و در جریان دو روز ناآرامی در این شهر تعدادی از مراکز سرکوب مورد حمله مردم قرار گرفت. در سروستان که مردم طی چند روز دو بار جاده ها را بستند، در تظاهرات خود مراکز دولتی را در شهر مورد حمله قرار دادند. ابعاد تظاهرات و شورش به مرحله ای رسید که ارگان های امنیتی رژیم، حکومت نظامی در این شهر اعلام نمودند. در جلفا و برخی شهرهای دیگر نیز اعتراضات در ابعاد محدود تر به وقوع پیوست. این اعتراضات ظاهرا به دلایل مختلف انجام گرفت. دریکی اعتراض و شورش در پی اقدام سرکوب گرانه ماموران امریبه معروف به وقوع پیوست، در دیگری اعتراض به ابطال انتخابات یا صندوق های رای از سوی شورای نگهبان، در سومی اعتراض به شهرداری وغیره، اما در حقیقت امر همه این اعتراضات از نارضایتی مردم از وضع موجود و رژیم جمهوری اسلامی ناشی میگرددند و همین که توجیه و بهانه ای به دست می آورند.

صفحه ۲

واقعیت های سمینار برلین

و

مقابله دو گرایش ← ۴

اما در برابر این تعرضات، جناح خاتمی و گروه های طرفدار وی چه کردند؟ آنها نه تنها در برابر این تعرضات عقب نشستند، بلکه حتی در برابر تعطیل مطبوعات، مردم را به آرامش و سکوت دعوت کردند. این اوج ناتوانی و بزدیلی این جناح بود که حتی حاضر نشد از روزنامه های واپسیت به خوددفاع کند. این عقب نشینی، جناح دیگر را برای تعریف بیشتر تشجیع خواهد نمود. از این تحولات چه نتیجه ای میتوان گرفت؟ قبل از هرچیز رویدادهای اخیر این واقعیت از پیش روشن را بازهم روشن تربیه اثبات رساند که حتی اصلاحات ناچیز جناح خاتمی و گروه های طرفدار آن در چارچوب حکومت اسلامی، نمی توانند متحقق شوند. این جناح ناتوان تر از آن است که بتواند سیاست خود را برغم مخالفت جناح رقیب پیش ببرد. این رویدادها بار دیگر بی اعتباری و شکست استراتژی گروه های استحاله طلب را که به "اصلاح" حکومت اسلامی باور دارند، بر ملا کردند. اما ناتوانی و شکست جناح خاتمی به معنای پیروزی جناح مسلط نیست. این جناح نیز برغم تعرضات اخیر خود نه به سادگی قادر خواهد بود، جناح رقیب را از سر راه بردارد و به تضاد های درونی هیئت حاکمه پایان بخشد و نه قادر است بحران قدرت راحل کند. چرا که تضادهای درونی هیئت حاکمه و تشدید این تضادها خود برخاسته از بحران سیاسی عمومی جامعه و شکست سیاستهای رژیم اند. از این رو نمی توان این تضادها را مصنوعاً برآنداخت و با حذف یک جناح بربحران غلبه نمود. علاوه بر این، جناح خاتمی در تمام ارگانها و نهادهای دولتی به درجات مختلف حضور دارد و بخش اعظم کارگران دستگاه دولتی وابسته به این جناح اند، از اینرو حذف آنها از صحنه حکومت اسلامی به سادگی ممکن نیست. حربه ای که جناح خاتمی ای و طرفداران آن برای تسویه حساب قطعی با جناح رقیب در اختیار دارند، البته کودتای نظامی است. اما استفاده از این حربه کار ساده ای نیست و در لحظه کنونی نیز این جناح نیازی به استفاده از آن ندارد. وقتی با یک اشاره خامنه ای در طی یکی، دو روز ۱۵ روزنامه و هفتاد نامه را تعطیل و گروهی از فعالین طرفدار خاتمی را دستگیر و روانه زندان میکنند و صدای یک اعتراض جدی از جناح خاتمی بلند نمی شود، چه نیازی به کودتای نظامی است. کودتای نظامی مختص دورانی است که بحران به اوج خود رسیده باشد و ابزارهای دیگر این جناح کارآئی نداشته باشند. تازه در همان شرایط نیز ممکن است، استفاده از این ابزار نظامی به قیام عمومی توده ای و سرنگونی کلیت رژیم بیانجامد. حالا اگر چنین کودتائی نیز عملی شود، در شرایط یک بحران سیاسی عمیق، نارضایتی وسیع توده ای، بحران همه جانبه اقتصادی و انزوای بین المللی، هیچ مشکلی را از رژیم نمی تواند حل کند. بنابراین برغم تمام تعرضات جناح مسلط، تضادها، کشمکشها و درگیریهای جناح های رقیب همچنان ادامه خواهد داد و

بحran سیاسی عمیق تر و لحظه انقلاب نزدیک تر می شود

جدی از آنها خواسته ام که جلو این وضعیت را بگیرند." این گفتار در واقع بدین معنا بود که ۱۰ تا ۱۵ نشریه ای که تماماً وابسته به جناح خاتمی و طرفداران وی بودند، می باید تعطیل شوند. خامنه ای دربخش دیگری از این سخنرانی گفت از "تحمیل صلح امام حسن" خبری نیست و "اگر دشمن خیلی فشار بیاورد، حادثه تلخی مانند حادثه کربلا درینجا اتفاق خواهد افتاد." یعنی این که ما بدون یک کشتار و خونریزی عظیم کنار خواهیم رفت. در ظاهر، طرف خطاب اوراینچا آمریکا بود، اما در واقعیت امر او توده مردم مخالف رژیم جمهوری اسلامی و نیز جناح رقیب خود را مورد خطاب قرار میدارد. این واقعیت را یک هفته بعد رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه در تفسیر همین بخش از سخنان خامنه ای علناً ابراز داشت و گفت اوضاع کنونی حدوداً همانند اوضاع سیاسی بین سالهای ۵۸ تا ۶۰ است. او نیز به تهدید سرکوب متولّ شد.

هنوز چند روزی از سخنرانی خامنه ای نگذشته بود، که دستگاه قضائی حکومت در فاصله دو تا سه روز ۱۵ روزنامه را مورد هفته نامه را ممنوع الانتشار نمود. تعدادی از روزنامه نگاران دستگیر و روانه زندان شدند. گروهی از روزنامه نگاران، نویسندها و سران احزاب و سازمان های سیاسی طرفدار خاتمی که در کنفرانس برلین شرکت کرده بودند، پس از بازگشت به ایران به دادگاه فراخوانده شدند و برخی نیز بازداشت و روانه زندان شدند. در پی این رویدادها، برخی از گروهها، روزنامه ها و افراد وابسته به جناح خامنه ای مستقیماً خاتمی را مورد حمله قراردادند. برخی از نماینده کنگره ای آمده بود که "ریاست محترم جمهوری بیانیه بود که در واقع علیه گروههای طرفدار خاتمی بود، سپاه پاسداران رسمی این گروه ها را مورد تهدید قرار داد و گفت "آنگاه که زمانش فرارسد، دشمنان ریز و درشت صدای پتک انقلاب رادرفضای جمجمه خود چنان حس خواهند کرد که برای همیشه از توطئه و مدارا بسر رسد، قانون (خشونت اقلابی) و "غلظت اسلامی" . . . بی هیچ محافظه کاری و تعیین با سرعتی که تصور آن را نمی توانید بکنید به دست آنان به اجرا در خواهد آمد و آنگاه برای درس گرفتن بسی دیرخواهد بود."

بدیهی بود که این بیانیه تهدیدامیز که رسمی به نام سپاه پاسداران انتشار یافته بود، نمی توانست بدون رای و نظر خامنه ای صادر شده بیانیه ای اعلام کرد که رئیس جمهور مصوبه است به وظائف خود عمل کند. دربخشی از این بیانیه آمده بود که "ریاست محترم جمهوری به دلائلی گوناگون در طول این سال توفیق وحدت ملی و تفاهم همگانی را به نحو مطلوب به دست نیاورند. سپس این بیانیه "بویژه مسئول اداره کشور که رئیس جمهور هستند" فرامیخواهد که " به وظائف و مسئولیت های خود در آخرین سال این دوره ریاست جمهوری به نحو صحیح و مطلوب عمل کند". روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان با نوشتن مقالاتی رئیس جمهور را مستقیماً به پاسخ گوئی فراخواندند. تمام این رویدادها نشان میدهند که جناح مسلط هیئت حاکمه با تعرض اخیر خود در آستانه تشکیل مجلس ششم ارتعاج اسلامی می خواهد به جناح رقیب خود هشدار دهد که به هیچوجه اجازه نخواهد داد به حیطه قدرت و اختیارات آن تعرض شود.

اعتراض خود را به حالت انفجار ابراز میدارند. حتی در جائی که مردم ظاهراً به حمایت از یکی از نامزدهای نماینده ای جناحی از رژیم، دست به اعتراض میزند، تظاهرات خود را به نهادهای دولتی حمله می برند و آنها را به آتش میکشند.

این اعتراضات توده ای در همین مدت به اشکال دیگری از سوی کارگران در کارخانه ها ادامه داشت. در همین چند هفته گذشته، کارگران در دههای مورد دست به اعتراض، اعتصاب، راه پیمایی و تظاهرات و بستن جاده ها زندن. اعتراضات دانشجویی نیز در ابعاد جدیدی ظاهر شدند. دانشجویان در اعتراض به تشديداً خناق و اقدامات سرکوبگرانه رژیم، در اغلب دانشگاه های سراسر کشور، اجتماعات و تظاهراتی را سازمان دادند.

در بطن این اعتراضات توده ای تضادهای درونی جناح های هیئت حاکمه و کشمکش میان آنها ابعاد تازه ای به خود گرفت و جناح مسلط هیئت حاکمه تعرض گسترده ای را علیه جناح رقیب سازمان داد. تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات، علیه مطبوعات، سپاه پاسداران حکومت اسلامی بیانیه شدیدالحنی انتشار داد که در نوع خود بی سابقه بود. در این بیانیه که در واقع علیه گروههای طرفدار خاتمی بود، سپاه پاسداران رسمی این گروه ها را مورد تهدید قرار داد و گفت "آنگاه که زمانش فرارسد، دشمنان ریز و درشت صدای پتک انقلاب رادرفضای جمجمه خود چنان حس خواهند کرد که برای همیشه از توطئه و مدارا بسر رسد، قانون (خشونت اقلابی) و "غلظت اسلامی" . . . بی هیچ محافظه کاری و تعیین با سرعتی که تصور آن را نمی توانید بکنید به دست آنان به اجرا در خواهد آمد و آنگاه برای درس گرفتن بسی دیرخواهد بود."

بدیهی بود که این بیانیه تهدیدامیز که رسمی به نام سپاه پاسداران انتشار یافته بود، نمی توانست بدون رای و نظر خامنه ای صادر شده باشد. لذا صدور این بیانیه به همراه مصوبه مجلس ارتعاج اسلامی علیه مطبوعات نشان می داد که جناح مسلط هیئت حاکمه تعرض گسترده ای را علیه جناح خاتمی سازمان داده است. سخنرانی خامنه ای در جمع گروه های بسیجی، اهداف این جناح ها را کامل بر ملا کرد. او در سخنرانی خود به دو نکته اشاره کرد. نخست این که تعدادی از مطبوعات باید توقيف و برچیده شوند. نکته دوم حاکی از ایستادگی رژیم در برابر هرگونه تحولی، همراه خونریزیها و کشتارهای عظیم بود.

او دربخشی از سخنرانی خود گفت: "برخی از مطبوعات به پاگاههای ازیک مرکز هدایت می شوند. . . کاراین مطبوعات تفرقه افکنی، ایجاد اختلاف، تشنیج آفرینی، تشویش افکار عمومی و یاس پراکنی است". وی سپس گفت " به مسئولین دولتی بارها تذکر داده ام و بطور

اردوی کار، اتحاد بین المللی خود را به نمایش گذاشت (گزارش مراسم روز جهانی کارگر)

آمریکا _ برغم این که در کشورهای آمریکای شمالی، رسماً روز ۴ سپتامبر را جایگزین روز کارگر نموده اند، با این وجود هزاران کارگر در شهرهای نیویورک و شیکاگو همچنان کارگران سراسر جهان دست به راه پیمانی زدند. تظاهرات کنندگان با دادن شعارهایی علیه سرمایه‌داری، به فقر و بیکاری اعتراض نمودند.

چین _ صدها هزار تن در شهرهای مختلف چین دست به راه پیمانی زدند. در میدان اصلی پکن، کارگران پس از راه پیمانی، به جشن و سورپرداختند.

کره جنوبی _ به دعوت فدراسیون اتحادیه های کارگری کره جنوبی (KFTU) دهها هزار کارگر دست به راه پیمانی زدند. شعار کارگران، افزایش دستمزدها و توقف فوری فروش موسسات تولیدی این کشور به سرمایه داران خارجی بود.

کانادا _ درونکور کانادا، فعالین کارگری و سوسیالیستی کانادائی، عراقی، ایرانی، فیلیپینی و کشورهای امریکای لاتین جشن مفصلی برگزار کردند که هوداران سازمان نیز در آن نقش فعالی داشتند.

* _ همچنین مراسم متعددی در زیمباوه، اکوادور، هلند و سوئیس برگزار شد. در سوئیس پلیس با حمله وحشیانه به تظاهرات کنندگان، چند تن را مجرح کرد.

اخبار کارگری جهان

اعتراضی زده و خواستار لغو قوانین طاقت فرسای کار و واگذاری خطوط راه آهن به بخش خصوصی شدند.

مقایسه درآمد مدیران عالیرتبه و کارگران ساده در آمریکا

بنایه گذارش موسسه آمریکائی Pay Watch که به مطالعه و بررسی میزان درآمدها و دستمزدها میپردازد، درآمد مدیران عالیرتبه نسبت به کارگران در آمریکا طی ۲۰ سال گذشته به بیش از ۱۰ برابر افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۰ درآمدیک مدیر ۴۲ برابر میانگین دستمزد یک کارگر ساده بود. در سال ۹۰ این رقم به ۸۲ برابر افزایش یافت. در سال ۹۹ درآمد یک مدیر عالیرتبه در آمریکا به ۴۷۶ برابر دستمزد یک کارگر ساده افزایش یافت. منبع فوق میانگین دستمزد یک کارگر ساده را ماهانه ۱۵۰۰ دلار ذکر کرده است. براساس آمارهای منتشره، درآمد مدیران عالیرتبه در سال ۹۰ سالانه ۲ میلیون دلار، در سال ۹۵ به ۲/۷ میلیون دلار، در سال ۹۷، به ۷/۸ میلیون و در سال ۹۹ به ۱۲ میلیون دلار افزایش یافته است.

در فرانکفورت صدها تن از فعالین جنبش کارگری آلمان و نیروهای خارجی مقیم این شهر در مراسمی که توسط اتحادیه سندیکاهای کارگری آلمان (DGB) برگزارشده بود، شرکت نمودند. نیروهای فعال چپ ایرانی تحت نام "کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه" در این مراسم شرکت نمودند. فعالین سازمان ضمن شرکت در این تجمع به توزیع اطلاعیه های سازمان پرداختند.

انگلستان _ پلیس ضد شورش انگلیس از یک روز قبل از روز کارگر، جهت مقابله با تظاهرات کارگران و نیروهای متفرقی، به حالت آماده باش درآمده بود. در لندن کارگران پس از راه پیمانی و تظاهرات، مورد حمله پلیس قرار گرفتند. در جریان درگیریها به محل سکونت نخست وزیر انگلیس Blair و یکی از شبعت "مک دونالدز" حمله شد. "مک دونالدز" جن مراکنی است که پائین ترین دستمزد را به کارگران می‌پردازد. اخیراً در انگلیس به دنبال افشاگری های یکی از گروه های مدافعان حقوق کارگران، پرده از نقض حقوق ابتدائی کارگران شاغل در این اختصار پرداشته شد.

روسیه _ دهها هزار کارگر در شهرهای مختلف روسیه، روز اول ماه مه را گرامی داشتند. در مسکو بیش از ده هزار تن با دردست داشتن پرچم های سرخ دست به راه پیمانی زدند. خواست کارگران در این روز، افزایش دستمزد ها و تضمین شغلی بود. تظاهرات کنندگان به کرات شعار "مرگ بر کاپیتالیسم" سر دادند. علاوه بر این تظاهرات، در نقطه دیگری از مسکو، به دعوت اتحادیه کارگری بیش از ۱۵ هزار نفر دست به تظاهرات و راهپیمانی زدند.

کوبا _ بیش از یک میلیون تن در هاوانا، در مراسم اول ماه مه شرکت نمودند. دریائی از جمعیت و پرچم سرخ در میدان مرکزی پایتخت این کشور به راه افتاد. در این مراسم فیدل کاسترو به ایراد سخنرانی پرداخت.

اسرائیل _ کارگران اسرائیل، ضمن تظاهرات در روز جهانی کارگر و برابر اشتغال پرچم های سرخ، خواهان برقراری صلح شدند.

فرانسه _ بیش از ۳۰ هزار تن از کارگران در پاریس دست به راهپیمانی زدند. در بسیاری از شهرهای فرانسه نیز کارگران این روز را با تظاهرات، راه پیمانی و جشن و سورپرایز گرامی داشتند. شعار محوری این اجتماعات، "حق کار برای همه" بود.

در برنامه خود، ابتکار عمل را به دست بگیرد. در راهپیمانی چندین هزار کارگر در تهران، کارگران خواستار افزایش دستمزد، حق اعتماد و لغو مصوبه مجلس در مورد معافیت کارگاه های زیر نفرات شمول قانون کارشدن. سرانجام خانه کارگر تلاش نمودند که کارگران را به بهبود وضع در چار چوب حکومت اسلامی امیدوار سازند. اما کسی به این ارجیف توجه نکرد. علاوه بر این، آنها که وظیفه ای جزایجاد ترقه در صفوک کارگران ندارند، تلاش نمودند کارگران را رو در روی هم قرار دهند و مسبب بدیختی کارگران را وجود کارگران خارجی در ایران معرفی کردند. در تعداد دیگری از شهرستان ها نیز برخی راه پیمانی های کوچک دولتی برقرار شد، اما اغلب کارگران در تجمعات ویژه خود این روز را جشن گرفتند.

ژاپن _ قریب ۲ میلیون کارگر ژاپنی در شهر های مختلف، روز اول ماه مه را به خیابانها آمده و به تظاهرات پرداختند. کارگران در این روز علیه بیکاری شعار سر میدادند.

دانمارک _ روز جهانی کارگر با راه پیمانی و تظاهرات هزاران کارگر در شهرهای مختلف دانمارک گرامی داشته شد. طی این مراسم که اعتراضی آشکار به سرمایه داری بود، پلیس به تظاهرات کنندگان حمله کرد و این امر منجر به درگیری شد. در جریان این زد و خورها، یک اتومبیل پلیس واژگون شد.

فیلیپین _ در مانیل بیش از ۱۵ هزار کارگر ضمن تجمع در مقابل قصر ریاست جمهوری، در اعتراض به بیکاری، این محل را مورد حمله قراردادند و سیاستهای اقتصادی رئیس جمهور این کشور را محکوم نمودند. با حمله پلیس ضد شورش صدها تن از تظاهرات کنندگان دستگیر شدند.

آلمن _ در بسیاری از شهرهای آلمان، روز کارگر با تظاهرات و راهپیمانی کارگران و نیروهای متفرقی برگزار شد. در هامبورگ تظاهرات کنندگان ضمن حمله به چند بانک، به سیاست های اقتصادی دول امپریالیستی اعتراض نمودند که این امر به درگیری این جامعه ای انجامید. در جریان این زد و خوردها تن رخی شدند. در برلین تظاهرات کنندگان در اعتراض به تظاهرات نئو نازیها، به راهپیمانی در سطح شهر پرداختند. روز اول ماه امسال، همچون سال های قبل به درگیری بین نیروهای متفرقی با جریانات نئونازیست انجامید.

ترین حقوق انسانها توسط جمهوری اسلامی در سمینارگزاری نشده بود و این سمینار از خصا قرار بود به افکار عمومی چنین القا کند که حکومت اسلامی ایران تغییر کرده، دمکرات و متمن شده، نه تنها ترور و سرکوب و اعدام نمی کند، بلکه از مخالفانش میخواهد به "میهن اسلامی" باز گردند و شعار "ایران برای همه ایرانیان" را رسیده است. سمینار در اساس با همکاری سفارت جمهوری اسلامی و وزارت خارجه آلمان ترتیب داده شده بود تا با ارائه چهاره غیر واقعی از جمهوری اسلامی، زمینه را برای بهبود مناسبات آلمان، اتحادیه اروپا و کلا کشورهای غربی با حکومت اسلامی ایران هموار نماید و زمینه ساز سفرخاتمی به آلمان باشد. در این میان بنیاد هانریش بل و سیلماً بود تا به افکار عمومی نشان دهد فاتلان میکنوس و سازمان دهنگان ترور و جنایت اکنون دمکرات و آزادیخواه شده اند. این نیز ریشند مردم ایران و میلیون ها پناهندگی سیاسی ایران در خارج است که چنین سمیناری در شهر برلین، یعنی همان جائی برگزار شد که تروریست های اعزامی رژیم رهبر حزب دمکرات و همراهانش را ترور کردند و دادگاه میکنوس با استناد به مدارک و شواهد، نقش سران رده اول رژیم را در سازماندهی ترور و کشتار مخالفان آشکار کرد. در چنین فضایی، و در چنین سمیناری، امثال جلائی پور و گنجی، از عاملان و سازمان دهنگان دستگاه های اطلاعاتی و سرکوب، حال که فهمیده اند دیگر نمی شود به شیوه سابق حکومت کرد، و حکومت را در آستانه سقوط میبینند، پوتین ها و اوئیفورم نظامی شان را در آورده اند، و به جای اینکه در دادگاه به جرم سازماندهی کشتار و سرکوب محکمه شوند، در قالب روز نامه نگار، محقق و متفکر پشت تریبون قرار گرفته اند، از ضرورت "آزادی" و دمکراسی و از "بحث و دیالوگ احترام آمیز"، و درنفی خشونت سخن می گویند! تعدادی نویسنده و محقق و روزنامه نگار نیز به این مجموعه اضافه شده اند تا به سمینار ظاهر فرهنگی، موبایله و متمنانه بپوشند. نهایت تلاش بکار رفته بود تا مقاصد کثیف و ارتقای در ظاهرا دلیر عرضه شود.

معترضان به برگزاری این سمینار، از چند هفته قبل، اعتراض خود را اعلام کردند. سازمان های سیاسی، نهادهای دمکراتیک، کانون های پناهندگی، و شخصیت های سیاسی و فرهنگی هریک با صدور اطلاعیه هائی به برگزاری این سمینار اعتراض کردند. سازمانها و جریانات دفاع جمهوری اسلامی نیز با صدور بیانیه هائی از برگزاری این سمینار و جلسات مشابه که راه را برای "بحث و گفتگو" میان "اصلاح طلبان" داخل و خارج هموار می کند، اعلام نمودند.

با شروع سمینار، اعتراضات نیز آغاز شد. پیشنهاد یکی از علان چپ به نمایندگی از کمیته در صفحه ۵

برای آزار دادن او در بدنش ایجاد کرده اند - لباسش را در می آورد، و درحالی که عکس برادرش را هم که توسط رژیم اعدام شده در دست گرفته و روی صندلی می ایست، اینها از تمام قضیه، فقط این مسئله را می فهمند که این مرد لباس به تن نداشته و "حیثیت" آنها را لکه دار کرده است. آنها تمام این وقایع را به این شکل نقل، و حول آن تبلیغ می کنند که "چپ های خشونت طلب" با کارهای "خلاف شئون اخلاقی" خود موجب تشدید حملات "جنایان حصار طلب" به اصلاح طلبان حکومتی و بستن روزنامه ها شده اند. برخی برای محکم کاری، مدعی شده اند که بر هم زدن سمینار برلین کار وزارت اطلاعات رژیم است. فعالان چپ را محکوم می کنند که سیاست وزارت اطلاعات رژیم را پیش بردند. این "کشف بدیع" البته از سوی کسانی صورت گرفته که خود مناسبات چندان نامساعدی با "بچه های اطلاعاتی" ندارند، از شدت ناراحتی شان این حرف ها را می زنند. یک سمینار فرهنگی و اینهمه جار و جنجال!؟ سالانه دهها سمینار فرهنگی، و سیاسی در خارج کشور برگزار می شود، در بخش قابل توجهی از این سمینارها سخنرانانی از ایران شرکت می کنند. حتی اغلب سخنرانان همین سمینار برلین، قبله درسمینار ها و جلسات سیاسی و فرهنگی در خارج کشور شرکت کرده اند، نظراتشان را گفته اند، نه جلسه شان بهم خورده، نه جار و جنجالی پیا شده است. پس اینهمه هیاهو حول سمیناری که علی الظاهر فرهنگی بوده و برای بحث و گفتگو تشكیل شده بودچرا، و از کجاست؟ سمینار برلین که از ۷ تا ۹ آوریل در شهر برلین برگزار شد به ظاهر سمیناری فرهنگی و برای بحث و گفتگو بود. بنیاد هانریش بل وابسته به حزب سبزهای آلمان که از جمله به نویسندها و هنرمندان تحت فشار و سرکوب کمک می کند، برگزار گرفته سینیار ۱۷ سخنران از ایران برای شرکت درسمینار دعوت شده بودند. سخنرانان بدلخواست فکری، و دوری و نزدیکی به حکومت طیف متنوعی را تشكیل میدارند، از جلائی پور گرفته که نزدیک به یک دهه از مقامات امنیتی رژیم در کرستان بوده و امروز نیز با افتخار از تمام جنایتش، و از سرکوب خلق کرد دفاع می کند، تا گنجی مقام پیشین سپاه پاسداران، یوسفی اشکوری، شهلا شرکت مدافعت تز ارتقای فینیسم اسلامی، و مدافعت سنگسار زنان، جمیله کدبور مشاور پیشین رئیس جمهور، که به نمایندگی از رژیم در بحث مربوط به روابط جمهوری اسلامی با دولت آلمان شرکت کرد، آقای محمود دولت آیادی، و شهلا لاهیجی و مهر انگیز کار.

اما اتفاقی نبود بنیاد هانریش بل که فریاد دفعش از حقوق بشر گوش همه را کر کرده، در دعوت از سخنرانان، اپوزیسیون رژیم را، حتی بخش بی خطر، مطیع و دوم خردای آن را فاکتور گرفت، و بیهوده نبود که بحثی در باره نقض حقوق بشر و پایمال شدن ابتدائی

واقعیت های سمینار برلین

و

مقابله دو گرایش

قریب به یک ماه از برگزاری سمینار "ایران بعد از انتخابات مجلس ششم" در شهر برلین میگذرد، اما هنوز وقایع این سمینار در داخل و خارج ایران موضوع بحث و گفتگوست. در داخل ایران جناح خامنه ای، سخنان تعدادی از "اصلاح طلبان" در این سمینار را دستاویز دور جدیدی از سرکوب، بستن روزنامه ها، دستگیری ها و تشدید جو خفغان قرار داده است. حکم جلسه کسانی که از ایران برای سخنرانی به این سمینار رفته بودند صادر شده، و تعدادی از آنها تا کنون دستگیر شده اند. اینها متهمن اند که با گفتارشان در سمینار، و با عدم واکنش کافی به سخنان مخالفان چمهوری اسلامی "امنتی نظام" را خدشدار کرده اند، مضافاً اینکه در سمیناری شرکت جسته اند که یک زن و مرد مخالف رژیم با درآوردن لباس هایشان به اسلام و شئونات اسلامی توھین نموده اند. "اصلاح طلبان" در مقابل اعتراض دارند که تلویزیون چمهوری اسلامی با پیش صحنه های "موهن و خلاف شئونات اسلامی" سمینار، آنهم در ایام سوگواری محرم، "احساسات مردم مسلمان" ایران را جریحه دار نموده اند. "اصلاح طلبان" در جبهه دیگری، حملات خود را به مخالفان حکومت افزایش داده اند. آنها در اشاره به اعتراضاتی که به برگزاری سمینار سخنران شرکت کردند، نظراتشان را گفته اند، نه جلسه شان بهم خورده، نه جار و جنجالی پیا شده است. پس اینهمه هیاهو حول سمیناری که علی الظاهر فرهنگی بوده و برای بحث و گفتگو تشكیل شده بودچرا، و از کجاست؟ سمینار برلین که از ۷ تا ۹ آوریل در شهر برلین برگزاري چپها عقب مانده و خشونت طلب اند، مخالف حکومت با "جنایان حصار طلب" رژیم تفاوتی ندارند، اینها هردو خشونت طلب اند، و مانع اصلاحات را خارج کشور، طیف ملتونی از توده ای و اکثریتی گرفته تا لیبرال های مذهبی، به بهانه وقایع سمینار برلین حملات خود را به جریانات چپ افزایش داده اند. میگویند چپها عقب مانده و خشونت طلب اند، بی ادبند، "شرافت اسلامی و ملی" و "حیثیت" ایرانی آنها را لکه دار کرده اند. اینها که خود در سمینار حضور داشته اند و وقایع را از نزدیک دیده اند، فرست طلبی، و افکار اجتماعی شان اجازه نمی دهد وقایع را همانطور که هست بینند و توضیح دهند. وقتی یک زن مخالف رژیم برای بیان سمبولیک ستمی که بر زنان ایران میروند، در حالیکه مایو برتن دارد، روسربی سیاهی به سرش می بندد و در سالن راه میروند، و این اقدام او سبب میشود شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سالان را به لرزه در آورد، این هر زه گان سیاسی از کل قضیه، مغایرت آن با "شئونات اخلاقی" شان را می فهمند. وقتی یک مرد مخالف رژیم برای نشان دادن آثار شکنجه برروی بدنش، جای آتش سیگار بر روی پشت و پاسنیش که همپالگی ها و شاگرد های جلائی پور و گنجی

جدائی دین از دولت، جزوی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

دو یکسان محاکوم است!". اما در این اطلاعیه گله آمیزد و سtanه بازگفته شده است که "شکی نیست که چماقداران بهانه به دست اصلاح طلبان خواهان حذف مخالفین دادند...". گویا قبل از آنکه "چماقداران" دست به عملی بزنند، روند کنفرانس دمکراتیک بوده و آزادی بیان" کسی تغفیل نشده بود! البته در اطلاعیه گفته نشده که اعتراض به "مخدوش کردن آزادی بیان" توسط "اصلاح طلبان" دست اندکار سمنیار شامل حال کسانی که راه کارگر آنها را "چماقدار" نامیده و سابقه مبارزاتی اش در مبارزه با آنها را به رخ میکشد نیز می شود یا نه، "اصلاح طلبان" به زعم راه کارگر روز یکشنبه باید به همه اجازه ورود به سالن می دادند یا "چماقداران" را مستثنی می کردند؟ اینها در اطلاعیه راه کارگر مبهم است. اما نحوه موضع گیری این سازمان در مرور و قایع سمنیار، لحن اعلامیه ها در مرور نیروهای چپ، و اصلاح طلبان، آن گفت سخنی برای چپ ها، و این نازک دلی برای "اصلاح طلبان" نشان داد که "آزادی بی قید و شرط" با همه تناسبات، بیش از آنکه اصل اعتقادی راه کارگر باشد، چماقی است برای کوبیدن چپ، راه کارگر بجای آنکه فقط علیه حزب کمونیست کارگری شعار بدده و قلمفرسائی کند، باید به این سؤال پاسخ دهد که حزب کمونیست کارگری به کنار، سایر نیروهای چپ و مترقبی که در سمنیار حضور داشتند، آیا از دیدگاه این سازمان حق اعتراض به تشکیل این سمنیار، نحوه برگزاری آن و سخنان جانیان و قاتلانی از قبیل جلائی پور و گنجی که راه کارگر با گشاده دستی تمام آنها را "روزنامه نگار اصلاح طلب" میخواند داشتند یا نه؟ اگر آری، راه کارگر به جزگفتن "نه باشکوه" از طریق شرکت در انتخابات، یا بحث و دیالوگ چه اشکال اعتراضی را مجاز می شمرد و غیر چماقدارانه میداند. در چنین صورتی اگر پاسخ مثبت است چرا راه کارگر با بزرگ نمائی نقش حزب کمونیست کارگری در کل اعتراضات علیه این جلسه درست به شیوه خود این حزب - سعی دارد نقش سایر نیروها را کمرنگ جلوه دهد، و چرا بدین طریق بطور غیر مستقیم کل اعتراض به برگزاری این جلسه را لوث و بی اعتبار میکند. اینها سقوط الایاتی است که باید پاسخ داد. گرچه راه کارگر تلاش کرده سمنیار برلین در نقش یک نیروی میانجی، یک بیطری ظاهر شود، گاهی به این جبهه و گاه به آن جبهه بتوضیح، اما روند تحولات، راه کارگر و هر نیروی مشابهی را وادر خواهد کرد که سیاست میان دو صندلی نشستن، به نعل و به میخ زدن و نقش داور مسابقه را به خود گرفتن کنار بگذارد. در مبارزه حادی که میان حفظ سیستم سیاسی و اجتماعی موجود و نفی آن، حفظ نظام جمهوری اسلامی - هر چند بالاصلاحاتی - و سرنگونی آن وجود دارد، هیچ نیرویی بی طرف نیست و مبارزه حاد طبقاتی هنر نیروی را که بخواهد در نقش میانجی ظاهر شود، به یکی از دو جبهه پرتاب خواهد

سمنیار بنیاد هانریش بل، کنفرانس آلترناتیو با حضور ۱۴ سخنران در بیرون خانه فرهنگهای جهان برگزار می کند. روز جمعه با شروع سمنیار، فعالان و "کادر" های این حزب با مشاهده جو اعتراضی وسیع، تعداد چشمگیر معتبرضان در داخل سالن و برخورد ها و جدال های لفظی معتبرضین با برگزارکنندگان سمنیار، به یکسر ب دنیال جو اعتراضی درون سالن افتادند و در همانحال به شیوه های معمول این حزب، سعی کردند بذعنم خود ابتکار عمل را در دست خودشان بگیرند. این حزب که جنجال آفرینی، خودپرستی و خود بزرگ بینی مفرط، دیگر به کاراکتر سیاسی خود و "کادر" هایش تبدیل شده، با صدور اطلاعیه های پی در پی و هیاهو و جنجال آفرینی تلاش کرد این توهم را اشاعه دهد که گویا همه اعتراضات تحت کنترل و سازماندهی این "تنها آلترناتیو" بوده است! اعلامیه های "کارد" ها، و پیام "رئیس هیئت دبیران" و سایر افراد رده های مختلف حزب، مکمل این توهم پراکنی بود.

جریانات "اصلاح طلب" برونو مرزی نیز است دستاویز قراردادن جنجال آفرینی و آثارشیسم اشرافی فعالان و "کادر" های حزب کمونیست کارگری، تلاش کردند کل حرکت اعتراضی صدھا تن از نیروهای مختلف رژیم را - که فعالان حزب کمونیست کارگری بخش ناجیزی از آن را تشکیل می دادند - به این حزب و روش ها و منش آن منسوب نموده و تخطیه کنند.

موضوع سازمان راه کارگر نیز از مسائل جالب توجه این سمنیار بود. راه کارگر که در نحوه برگزاری کنفرانس، اهداف آن، شیوه اداره کنفرانس در روز اول، دخالت دادن پلیس، کنک زدن چند تن از معتبرضین توسط پلیس و مسائلی از این دست، نکته قابل توجه و با اهمیت نیافتند، اهداف آن، شیوه اداره اطلاعیه بدده و از آزادی بی قید و شرط بیان" مخالفان که "قربانی سرکوب گریهای رژیم اسلامی بوده اند دفاع کند، با بهم خوردن جلسه روز شنبه اطلاعیه ای تحت عنوان "برهم زدن نشست برلین را محاکوم میکنیم" صادر کرد. در این اطلاعیه راه کارگر مخالفت خود را با "هرگونه حرکت خشونت طلبانه و اقدامی که قصد حذف حق بیان شرکت کنندگان در این کنفرانس را داشته باشد" اعلام نمود. در این اطلاعیه تعطیل جلسه به استفاده از شیوه های چماقداری نسبت داده شد و تصریح شد که راه کارگر قریب به دوده ساقه بیارزه با چماق داری دارد. راه کارگر که به این ترتیب همدلی اش را با "اصلاح طلبان" نشان داده بود، با این مسئله مواجه شد که برگزارکنندگان سمنیار روز یکشنبه مخالفان را از شرکت در جلسه نیز محروم کردند. اینجا بود که اعلامیه ای تحت عنوان "ممانعت از ورود مخالفان به جلسات هانریش بل را محاکوم می کنیم!" صادر شد تا بی طرفی اش! راحفظ کرده باشد. در این اعلامیه از بنیاد هانریش بل انتقاد شده که آزادی بیان مخالفان را "مخدوش" کرده است، تأکید شده که "مخدوش کردن آزادی بیان از طریق اعمال قهر غیر رسمی و رسمی هر

"زنان تبعیدی ایرانی علیه بنیادگرائی در برلین" مبنی بر اعلام یک دقیق سکوت به یاد تمامی کسانی که توسط جمهوری اسلامی اعدام شده اند، اعتراض مخالفان به این امر که برگزارکنندگان سمنیار به آنها اجزا های خود را از معتبرضین توسط پلیس و قایع مشابه، علیرغم تمام آشفتگی و هرج چشمگیری که بر سمنیار حاکم بود، این مسئله را روشن کرد که جز افرادی که می روشند بحث ها به سمنیار آمدند، دو صفت بندی دربرابر مقرار گرفته بودند. صفات مدافعان و صفات مخالفان جمهوری اسلامی. نیروهای صفات مدافعان جمهوری اسلامی، علیرغم اختلافات شان با یکیگر، در عمل برسر این نکته به هم می رسیدند که مطالباتشان در چهارچوب نظام ولایت فقیه که به آنها نیز امکان سهیم شدن در قدرت را بدهد، می گنجد. البته اینها ترجیح می دهند فضای قدری بازتر شود، بر سر میزان "اصلاحات" نیز ممکن است باهم اختلاف نظر داشته باشند. اما به رحال، و در هر صورت، از موجودیت جمهوری اسلامی دفاع میکنند. توده ایها و اکثریتی های این نیز که سالها پیش از سوی جمهوری اسلامی شدند، برای وصل مجدد ارتباط و اثبات حسن نیت شان به رژیم بتابی میکردند و سر از پا نمی شناختند. اینها در همان ساعات اول سمنیار دوباره جایگاه خودشان را پیدا کردند، فحاشی به چپ ها! و روز بعد شناسائی مخالفان، معتبرضان و "برهم زنندگان نظام"، تا مسئولان سمنیار اجازه ورود به آنها را ندهند. پس از آن نیز بخش اعظم انژری خود را صرف تبلیغ علیه معتبرضان به برگزاری سمنیار و مخالفان جمهوری اسلامی کرده اند، تا به رژیم نشان دهنده چقدر پادویی برای بورژوازی و دشمنی علیه چپا حسن نیت دارند. حتی گروهی کار را به جایی رسانده اند که نامه سرگشاده ای به بنیاد هانریش بل نوشته و اعتراض کرده اند چرا به معتبرضان اجازه صحبت داده است! در نامه سرگشاده "سازمان سوسیالیستی ایران" آمده است: "... ما نسبت به برگزاری کنفرانس تنها یک انتقاد داریم. برای ما غیر قابل درک است که چرا شما به گروه های نامبرده که سعی در ترویریزه کردن کنفرانس داشتند این اجازه را دادید که از پشت تربیون به فحاشی هایشان ادامه دهند".

نیروهای صفات مخالفان جمهوری اسلامی نیز علیرغم اختلافات نظری و سیاسی، و روشهایی که برای ابراز مخالفت در پیش گرفته در این نقطه به هم میرسیدند که رژیم جمهوری اسلامی را غیر قابل اصلاح، و تحقق مطالبات انقلابی و مکراتیک مردم را در چهارچوب این رژیم غیر محتمل می دانستند. اینها مخالف کلیت رژیم، و مخالف توهمند پراکنی نسبت به ظرفیت "اصلاح" این رژیم هستند. در این جبهه جا دارد به رفتار حزب کمونیست کارگری و فعالان این حزب اشاره ای شود. حزب کمونیست کارگری از بنیاد هانریش بل قبل از سمنیار، با صدور اطلاعیه هایی اعلام کرد در مقابله با

خبری از ایران

اردیبهشت بهای محصولات لبنی به طور متوسط حدود ۲۵ درصد افزایش یافت. بهای شیر پاکتی یک چهارم لیتری به ۱۰۰ تومان، شیر پاکتی یک لیتری به ۳۲۰ تومان، کره ۱۰۰ گرمی به ۲۲۰ تومان، ماست کیلوئی ۲۴۰ تومان، خامه یک چهارم لیتری به ۲۵۰ تومان افزایش یافت.

در همین حال وزارت نیرو تعرفه مصرف برق و انشعاب جدید را هر یک به میزان ۱۰ درصد افزایش داد.

چند خبر کوتاه

کارگران شاغل در سد کارون^۳، بعلت تعویق پرداخت حقوقهای خود، دست به اعتراض زدند.

۲۲ هزار کارگر کشت و صنعت کارون و هفت تپه، چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی گفت، ایران با ۴۲۲ نفر زندانی در هر ۱۰۰ هزار نفر، بعد از آمریکا بیشترین آمار زندانیان را دارد.

زندانیان کشور در ۲۰ سال اخیر از حدود ۱۰ هزار نفر به بیش از ۱۵۵ هزار نفر رسیده است که حدود نیمی از آنها در سینم ۲۰ تا ۳۰ سال قرار دارند.

خودکشی در سال ۷۷، نسبت به سال ۷۶ بیش از ۱۰۹ درصد رشد داشته است.

واقعیت‌های سمینار بولین و ...

کرد. آنوقت چنین نیروهایی یا باید در جبهه انقلاب بایستند، یا خجالت و رودربایستی و پوشیده گویی و گاهی به نعل و گاهی به بیخ زدن را کنار گذارند و صریح و آشکار در جبهه مدافعان حفظ جمهوری اسلامی با همه "روز نامه نگاران اصلاح طلب" و ضد "خشونت" و "چماق‌اری" اش بایستند و علیه نیروهای انقلاب مبارزه کنند. آنوقت باید مقابله با "خشونت" و "چماقداری" را همانند اصلاح طبلان آنقدر بسط دهند که هر حرکت اعتراضی توده ای، هر مبارزه کارگری و هر اعتراض بر حقی را اگر مخالف منافع "اصلاح طبلان" می‌بینند، مشکوک، عامل دست فلان دولت و بهمن وزارت، و مردود بشمارند و با آن مقابله کنند. آنوقت باید همانند خاتمی رئیس جمهور، کارگران، جوانان، زنان و همه افسران مردم را به سکوت و آرامش دعوت کند تا مبادا با حرکات نسنجیده روند اصلاحات را به خطر بیناند. روند تحولات فرصت زیادی برای پوشیده نگهدارشتن تزلزل و تدبیخ نخواهد داد. سمینار برلین و قایع این سمینار، جنبه‌ای از موضع کبیری راه کارگر را آشکار کرد. آینده به این موضع گیریها صراحت بیشتری خواهد بخشید.

حدود هفت صد تن از کارگران واحدهای تولیدی - صنفی همدان، بابرپائی یک تجمع نیز به مصوبه مجلس ارجاع اعتراض نموده و خواستار لغو فوری آن شدند.

درطیس نیز جمع زیادی از کارگران با امضای طوماری، نسبت به این مصوبه اعتراض نموده وبا آن مخالفت کردند. درین طومار، کارگران خواستار لغو این مصوبه و تضمین شغلی خود شدند. این سلسله اعتراضات کارگری همچنان ادامه دارد. اعتراضات مشابهی از سوی کارگران درساير شهرها و مناطق از جمله سیستان و بلوچستان، يزد و لرستان نیز صورت گرفتادست.

جواب اعتراضی در کارخانه "شادان پور"

۵۰۰ کارگر کارخانه کفش شادان پور، نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق های خود معارض اند و خواهان پرداخت حقوقهای معوجه و تضمین شغلی اند. قابل ذکر است که این شرکت که در سال ۶۸ تحت پوشش سازمان تبلیغات اسلامی بود، در سال ۷۳ به بنیاد مستضعفان منتقل گردید و سرانجام در مرداد ۷۸ به غلامرضا راسخ افسار که از فرزندان سهامداران اولیه این شرکت در رژیم سلطنتی بود، واگذار گردید و به دنبال آن از ۷۸/۸/۵ بمدت یکماه تعطیل شد. پس از آن ۱۴۰ نفر از کارگران به کار دعوت شدند و مابقی به حالت تعليق درآمده و بلاتکلیف مانده اند. در شرایط حاضر احتمال تعطیلی کامل این کارخانه وجود دارد و کارگران حقوق بهمن، اسفند و دی و پادشاه سال ۷۸ خود را نیز دریافت نکرده‌اند و خواستار پرداخت آن می‌باشند. کارگران این کارخانه که از ۱۰ تا ۲۵ سال سابقه کار دارند خواهان تعیین تکلیف قطعی و تضمین شغلی اند. نکته قابل ذکر دیگر این است که شورای اسلامی کارخانه با ارسال نامه ای به رئیس جمهور، دفتر رهبری، وزارت کار، نیروی انتظامی استان تهران، دادستانی انقلاب اسلامی و شمار دیگری از نهادهای رژیم، اوضاع ناسیمان و جو اعتراضی کارخانه را بازتاب داده و خطر تجمع و اعتراضات کارگران این کارخانه را هشدار داده است!

افزایش سراسام آور بهای کالاها و خدمات در نخستین ماه سال جدید

سرمایه داران و دولت آنها از نخستین روزهای سال جدید بهای بسیاری از کالاها و خدمات را بنحو حیرت آوری افزایش داده اند. از اول

جمع کارگران کارخانه علاء الدین در جاده مخصوص کرج

متجاوز از ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه علاء الدین از ساعت ۱۰ صبح روز ۱۲ اردیبهشت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، به مدت ۳ ساعت در مقابل کارخانه در جاده مخصوص کرج اجتماع کرده و جاده را مسدود نمودند، تا صدای اعتراض خود را به گوش همگان برسانند. نیروهای سرکوب پلیس برای متفرق کردن کارگران به منطقه گسیل شدند، اما کارگران در برابر اقدامات سرکوبگرانه ایستادگی نمودند و اجازه عبور و مرور به وسائل نقلیه را ندادند. کارخانه علاء الدین ۴ سال پیش از سوی بنیاد شهید به بخش خصوصی واگذار شد. چندی پیش صاحبان این کارخانه به اتهام اختلاس و صدور چک‌های بی محل دستگیر و روانه زندان شدند. از آن پس کارگران به حال خود رها شده و از حقوق و مزایای خود محروم شده‌اند. کارگران خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوجه و رسیدگی فوری به وضعیت کارخانه شدند.

جمع کارگران کارخانه "تحته سه لای" ساری

کارگران کارخانه تحته سه لای ساری در اوخر فروردین ماه بالاجتماع در مقابل کارخانه دست به اعتراض زدند. کارفرما از آذرماه سال گذشته کارخانه را تعطیل نموده حقوق و مزایای کارگران را به مدت شش ماه نپرداخته است. کارگران با این اقدام اعتراضی خود خواستار بازشنan کارخانه و پرداخت حقوق و مزایای معوجه خود شدند.

تداوی اعتراضات کارگری به مصوبه مجلس

در ادامه اعتراضات سراسری کارگران به مصوبه مجلس پیرامون خروج کارگاههای کوچک از شمال قانون کار، جمع زیادی از کارگران سمنانی با تجمع در برابر فرمانداری این شهر دست به اعتراض زده و خواستار لغو این مصوبه شدند.

کارگران شهرهای ابهر و خرم دره نیز با تحصن در محل این شهرهای این شهرستان‌ها، به این مصوبه ضدکارگری اعتراض کرده و خواستار لغو آن شدند.

کارگران کارخانجات و واحدهای صنفی مازندران با برپائی تجمع اعتراضی در محل استانداری این استان، ضمن اعتراض به مصوبه مجلس، خواستار لغو آن شدند.

* بیانیه کومه له ، نمودی تسلیم طلبانه و آستانه چرخش به راست !

" دفتر نمایندگی کومله درخارج کشور" اخیراً بیاندای با عنوان " مذاکره حزب دمکرات کردستان ایران با رژیم جمهوری اسلامی " انتشار داده است. در این بیانیه که تاریخ ۴/۳/۲۰۰۰ بر پائین آن نقش بسته است، با وجود آنکه دفتر نمایندگی کومله سعی فراوانی بکار برد است که حرف صریحی بر زبان نزد و ازاتخاذ یک موضع روشن پرهاز کند و از همین رو آن را در پرده ای از غبار ابهام پیچانده است، معهداً هر نیروی اندک آگاهی ولو با مختصری دقت این اطلاعیه و یا بیانیه کوتاه را مطالعه کند، به سادگی و به فوریت، به روحیه و مضمون تسلیم طلبانه، همچنین به خطر جدی چرخش به راستی که کومله را تهدید میکند، پی میبرد. میگوئیم کومله! چرا که دفتر نمایندگی آن درخارج کشور نیز جدا از خود کومله نیست و اگر مضمون چنین بیانیه ای مورد تائید آن نبود، قطعاً میتوانست و می بایست به موقع رسماً و علناً با آن برخورد کند که دست کم تا این لحظه، ما چیزی در این مورد نمی دیدیم و نشینیدیم! و اما پیردادیم به خودابین بیانیه.

هر خواننده ای با دیدن تیتر " مذاکره حزب دمکرات کردستان با رژیم جمهوری اسلامی " و با توجه به مواضع انقلابی کومله درگذشته، میخواهد به جنبه های انتقامی کومله و برخورد آن به امر مذاکره حزب دمکرات رژیم پی ببرد. روشن است که با تیتر کردن " مذاکره حزب دمکرات کردستان ایران با رژیم جمهوری اسلامی " قبل از هچیز، اصل انجام مذاکره حزب دمکرات با رژیم به خواننده القا و انتقال داده می شود و هر خواننده ای که اطلاعیه کو مه له را به دست میگیرد، با دیدن این تیتر درشت و برجسته، با همین پیش فرض، مطلب را تعقیب میکند و گنجکاو است که ببیند صادر کنندگان بیانیه در مورد این مذاکره چه می کویند؟ آیا کومله و دفتر نمایندگی آن در خارج کشور مذاکره حزب دمکرات با رژیم در شرایط و موقعیت کتفونی را تائید می کند؟ آیا از این مسئله انتقاد میکند و از موضوع انقلابی با این قضیه برخورد می کند؟ بیانیه نویسان کومله، نه فقط از موضع رادیکال و انقلابی با این قضیه برخورد نمی کند، بلکه هنگام پرداختن به این موضوع، از سنت های انقلابی و گفتار صریح نیز آشکارا فاصله می گیرند و مسئله را از پهلو و آنهم درکمال محافظه کاری مورد بررسی قرار میدهند. کومه له با پیش کشیدن این موضوع که " اخبار " و " شایعات " در رابطه با مذاکره حزب دمکرات و رژیم پخش شده که این اخبار و شایعات هم بطور رسمي ازطرف حزب دمکرات تکذیب شده است، حتی از وارد شدن صریح و مستقیم به اصل مطلب نیز پرهیز میکند معهداً در همان حال می نویسد " اما تا آنجا که ما اطلاع داریم در ماههای اخیر وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران از راههای مختلف و به شیوه غیر رسمی اظهار تمایل نموده است با گروههای اپوزیسیون ایران وارد گفتگوشود "!

همانطور که ملاحظه میکنید، نمایندگی کومله و تیتر کنندگان مذاکره حزب دمکرات با رژیم جمهوری اسلامی حرف صریح و مشخصی نمی زندن؟ بالاخره تا آنجا که شما " اطلاع " دارید حزب دمکرات کردستان ایران با رژیم مذاکره نموده است یا نه صرفاً شایعاتی در این زمینه پراکنده شده که آنهم تکذیب شده است؟ بخشی از مذاکره " گروههای اپوزیسیون ایران " در میان نبود، در تیتر اطلاعیه نیز اثری از گروههای اپوزیسیون موهوم نیست. ظاهراً قرار بود دفتر نمایندگی کومله در مورد مذاکره یک جریان مشخص یعنی حزب دمکرات کردستان ایران با رژیم جمهوری اسلامی اظهار نظر کند! تیتر کردن این موضوع از یک سو و سکوت در برابر آن از سوی دیگر را چگونه می توان تفسیر کرد؟ پائین تر خواهیم دید که سرمنشی این شیوه برخورد در کجاست! و گرنه هر فرد اندک آگاهی این را می فهمد که هیچ نیروی جدی سیاسی صرفاً بر مبنای شایعات دست به صدور اطلاعیه نمی زند و شایعه را تیتر نمی کند! معهداً تهیه کنندگان بیانیه که ظاهراً نمی خواهند حزب دمکرات را احیاناً از خود برنجانند و یا شاید خود نیز محدودرات دیگری دارند، از طرح صریح مسائل خودداری ورزیده و در صدد لاپوشانی قضیه بر می آیند و در نهایت به ذکر همان " شایعات " اکتفا می کنند. اینکه دفتر نمایندگی کومله چه " پیغام " را و چگونه دریافت نموده است و چطور از تمایل و وزارت اطلاعات رژیم در ماههای اخیر برای " گفتگو " با " گروههای اپوزیسیون " با خبر شده است و این کدام گروههای اپوزیسیون هستند که وزارت اطلاعات رژیم برای

مذاکره با آنها اظهار تمایل نموده است! بیانیه کومه له در این موارد مطلقاً چیزی نمی گوید، این در حالیست که در همان بیانیه، این گونه شایعات را " موجب اغتشاش اذهان عمومی " دانسته و مطلع شدن از جزئیات مسائلی که به زندگی و آینده مردم ربط پیدا می کند، حق مسلم مردم قلمداد شده است!

با این همه و برغم این فراموش کاری جزئی، بیانیه نویسان کومله در ادامه اظهارات خود با طرح دو موضوع مشخص، با وضوح شگرفی که نظر و خواست کومله را از داستان مذاکره حزب دمکرات با رژیم بر ملا ساختند. موضوع نخست این است که این دوستان، ظاهراً پیغام و پسquam های عناصر اطلاعاتی رژیم را چندان جدی نمی گیرند و تلویحاً این شیوه و حزب دمکرات را مورد انتقاد قرار میدهند. حرف و انتقاد کو مه له نه به اصل مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی، بلکه به این است که پیغام های رژیم که در ضمن بروز شایعاتی را در پی داشته است، از حد اظهارات شفاهی عناصر منفرمی از دستگاه اطلاعاتی رژیم فراتر نرفته و به تائید مراجع رسمی رژیم نرسیده است. می نویسند " از آنجا که اولاً هیچ مرجعی رسمی و شناخته شده ای در جمهوری اسلامی مسئولیت این گونه پیغام ها را به عهده نمی گیرد و از حد اظهارات شفاهی افرادی از دستگاه اطلاعاتی رژیم فراتر نرفته است . . . نهیتوان این گونه پیغام ها را جدی تلقی کرد . . . "

انتقاد دیگر کومله به حزب دمکرات این است که چرا این حزب به تنهایی پای این مذاکره رفته و کومه له را به حساب نیاروده است. کو مه له در بیانیه خود می نویسد " مذاکره اگر نه برسر سرنوشت یک حزب معین (که به ظن قوی متنظر همان حزب دمکرات است !) بلکه برسر آینده سیاسی و سرنوشت مردم کردستان صورت می گیرد، دیگر یک مسئله حزبی نیست، بلکه یک امر ملی و عمومی است . به این معنا ظرف چنین مذاکره های با رژیم بایستی متشكل از نمایندگان واقعی مردم شامل احزاب سیاسی و چهره های مبارز و مورد اعتماد مردم باشد. مسئولیت چنین مذاکره ای از نظر ما بایستی به عهده نهادی نظیر " هیئت نمایندگی خلق کرد " باشد که نمونه آن در گذشته هم وجود داشته است "!

هر کس که شرایط رویدادهای سال های نخست روی کار آمدن جمهوری اسلامی را از خاطر نبرده باشد، این را نیز می داند که " هیئت نمایندگی خلق کرد " مولود شرایط معینی بود و بربست شرایط خود ویژه سیاسی و مبارزاتی در منطقه کردستان و نیز توازن قوای موجود میان دولت وقت و توده های مردم و نیروهای فعال سیاسی وقت در مقیاس سرتاسری شکل گرفت. هیئت نمایندگی خلق کرد در آن مقطع، هرچند که وظیفه اساسی اش ثبتیت دستاوردهای مبارزاتی مردم کردستان بود، اما وظایف عملی معین دیگری را نیز پیش روی خود داشت و بطور موقت هم که شده می بایستی اداره امور منطقه را نیز به دست گیرد و از این زاویه " در عمل ارگانی شبیه یک " دولت انتلافی موقت " بود "(۱) کسیکه معتقد است در شرایط کنونی نیز امکان تشکیل چنین نهادی موجود است و می خواهد این " هیئت " را پای مذاکره با رژیم بفرستد دیگر نمیتواند صرفاً به صدور حکم اکتفا کند و لاقل می بایستی چند سطري هم که شده برآهین مشخص و عینی خویش را ارائه دهد. بنابراین از همینروهم هست که مطرح ساختن هیئت نمایندگی خلق کرد بیشتر جنبه تعارف بخود می گیرد که اگر از این تعارف و تعارفات دیگر بیانیه درگذریم، اصل قضیه و نارضایتی کومه له این است که چرا جای کومه له در این میان خالی بوده و حزب دمکرات کومه له را در نظر نگرفته است.

بنابراین وقتی که کومه له از رژیم می خواهد بطور علنی و با استفاده از مراجع شناخته شده و ارگان های رسمی اش به این عرصه پا بگذارد و نه توسط افراد " گمنام " از دستگاه اطلاعاتی رژیم به این چراغ سبز خیره کننده ای که از سوی همه دستگاه اطلاعاتی رژیم به این چراغ سبز خیره کننده ای که از سوی کومله روشن شده توجه اش جلب میشود! _ و گاه اش از حزب دمکرات نیزخول و حوش این موضوع می چرخد که چرا در این ماجرا به تک روی پرداخته است! در واقع امن، کنه نظر و خواست خویش را نیز بیان کرده

کردستان خواهد شد "(۲) همین دو سال پیش بود که از پیدا شدن پتانسیل های مبارزاتی جدیدی در کردستان صحبت می شد تا آنجا که اقدام باصطلاح نمایندگان مناطق کرد نشین در مجلس فرمایشی و انتشار نامه سرگشاده آنها به خاتمی که در آن به طرح "مطلوبات مردم کردستان از دولت مرکزی" پرداخته بودند، نشانه "نگرانی رژیم ازبروز یک برآمد توده ای و بالا بردن توانایی خود برای کنترل اعتراضات و مبارزات مردم "(۳) تلقی شد و حتی چشم دوختن احزاب حاکم بر کردستان عراق به دلیل ماسی و سیاست قدرتهای بزرگ و دولتهای منطقه و اینکه امیدهای خود را درکش و قوس این دلیل ماسی و سیاستها جستجو می کنند به زیر تازیانه نقد کشیده میشد و گفته می شد "کلید هرگونه تحول مثبت و اميد بخشی درگروتخرک سیاسی و رادیکال مردم رنجیده و زحمتکش و آزادی خواه این منطقه است"(۴) گفته می شد که "در کردستان ظرفیت بالائی برای مبارزه با جمهوری اسلامی و به میدان آمدن توده های وسیع و به خود گرفتن اشکال انقلابی مبارزه وجود دارد. امکان زیادی برای برچیدن هرچه بیشتر دستگاه های سرکوبگ دولتی، برای اعمال اراده توده ها، تسخیح وسیع مردم و حتی سازماندهی حاکمیت توده ای وجود دارد"(۵) و چنین تاکید می شد که "باید با تمام قوا از حرکت های اعتراضی و از قیام های توده ای پشتیبانی کرد و تلاش نمود که هر چقدر ممکن است نقش قاطعانه تر و مستقل تری ایفا کنند"(۶) آری، سابقا از یک تحول انقلابی در ایران و کردستان دفاع می شد و گفته می شد "آن تحولی که ما خواستارش هستیم و برایش مبارزه می کنیم، تحولی که بیشترین نفع را برای جنبش انقلابی ایران، برای کارگران و مردم زحمتکش در ایران و برای آینده دمکراتی و سوسیالیسم در ایران در بردارد، یک تحول انقلابی است"(۷) و در همین گذشته نزدیک، یعنی کمی پیش از یک سال پیش، وقتی که موضوع مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی وايجاد نهادی شبيه "هیئت نمایندگی خلق کرد" به همین منظور عنوان و سؤوال می شد، رهبران کومله له می گفتند "اگر بحث تشکیل نهادی برای مذاکره با دولت مرکزی است که در این صورت اولاً امروز چنین مذاکره ای موضوعیت ندارد. ثانياً تحمیل خواست حق تعیین سرنوشت مردم کردستان به حکومت مرکزی و یا وادار کردن رژیم به هر درجه از عقب نشینی تنها به نیروی مردم آگاه و فعل در صحنه های گوناگون مبارزات سیاسی و اجتماعی امکان پذیر است".(۸)

بله، در گذشته چنین عنوان میشد، کومله له اما باید توضیح دهد که اکنون چه شده است که مذاکره با رژیم موضوعیت یافته و سازمان کردستان حزب کمونیست را سرگرم دست سیستان از سیاستهای انقلابی خود نموده است؟ چه اتفاق عجیب و غریبی افتاده است که دفتر نمایندگی کومله در خارج کشور دست به صدور چنین بیانیه سازشکارانه ای می زند؟ چرا کومله له توضیح نمیدهد که با تعقیب این سیاست، به کدام یک از خواست های مردم زحمتکش کردستان قرار است جامه عمل پوشانده شود؟ آیا کومله له می خواهد در مورد به رسمیت شناخته شدن حق ملت کرد در تعیین سرنوشت خودشان با رژیم جمهوری اسلامی وارد مذاکره و چانه زنی شود؟ آیا می خواهد از رژیم خواهش و تمنا کند که بیش از این به ملت کرد و به کارگران و زحمتکشان منطقه کردستان، ستم روا ندارد؟ در شرایطی که جنایات بی حد و حصر رژیم و ترور رهبران اپوزیسیون منجمله رهبران حزب دمکرات آنهم در جریان مذاکره پیش روی ماست! در شرایطی که عمال سرکوب رژیم دائما در منطقه کردستان پرسه میزنند و خود را مجاز به انجام هرجایی علیه نیروهای مخالف و مردم میدانند و تا کنون نیز صدھا تن را ریوده و یا به قتل رسانده اند! در شرایطی که "جنیش اسلامی" و "حزب الله کرد" و شبکه ای از مزدوران محلی و مزدوران اعزامی وابسته به سپاه پاسداران که از حمایت بی دریغ احزاب بورژوائی کردستان عراق نیز برخوردارند، دائما در منطقه اخلاق و جنایت می گند و حتی مقرهای کومله را نیز کارا مورد حمله قرار داده اند! در شرایطی که این تجربه مکرر به اثبات رسیده است که رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ارتجاعی اش، پاسدار نظام سراسخت تبعیضات ملی، جنسی و اقتصادی است و یکی از مدافعین سراسخت تبعیضات ملی، جنسی و مذهبی است! و در راستای نابودی جنبش مبارزاتی و حق طلبانه مردم کردستان، هر زمان که توانسته است ضربات سرکوبگرانه خود را براین جنبش وارد ساخته است! و از همه اینها مهم تر در شرایطی که بحران

است. این هاست جوهر به اصطلاح انتقادات و برخورد کومله له به قضیه مذاکره حزب دمکرات کردستان با رژیم جمهوری اسلامی و همانطور که ملاحظه می کنید، هیچ جا بحثی از چند وچون و از نفس مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی در لحظه و شرایط کنونی و طریق اولی از نفی آن در میان نیست. و نه فقط این نیست، بلکه بیانیه راستائی کاملاً خلاف آن را نیز ترسیم می کند. می نویسد" ما انجام مذاکره با رژیم حاکم را از لحاظ اصولی رد نمی کنیم، اما مذاکره باسیستی علی باشد و جمهوری اسلامی باید نشان دهد که اهداف کوتاه مدت تفرقه افکانه و توطئه گرانه را در این امر تعقیب نمی کند!"

بیانیه نویسان کومله، حسابی خود را به کوچه علی چپ می زند. دوستان عزیز! رد نکردن مذاکره با رژیم حاکم به لحاظ اصولی یک مسئله است، مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی در شرایط حاضر، مستلزم دیگر! در اینکه احزاب و سازمان های کمونیست و انقلابی به لحاظ کلی و در یک شرایط معینی حتی با مرتعچ ترین رژیم های وقت نیز مجازند وارد مذاکره و گفتگو شوند، هیچ جای بحثی نیست. اما کومله باید شهامت به خرج بدهد، از کلی گوئی دست بردارد و ثابت کند که در شرایط مشخص کنونی مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی مجاز و به نفع جنبش انقلابی است؟ و این البته همان موضوعی است که بیانیه نویسان کومله له نیز عامداً از ورود به آن پرهیز نموده اند. برایه مضمون این بیانیه، کافی است مذاکره علی باشد و جمهوری اسلامی هم نشان بدهد اهداف تفرقه افکانه و توطئه گرانه ای را تعقیب نمیکند، تا کومله له هم به عنوان یک پای مذاکره، از آن استقبال کند!

چه اتفاقی افتاده است؟

به راستی کومله چه تحولاتی را از سرگزرنده و یا می گزرنده که تفاوت دیدگاه آن با حزب دمکرات نسبت به موضوعی به این درجه از اهمیت، صرفا به این خلاصه شده است که مذاکره با رژیم، شفاهی، غیر رسمی و با افراد دست چندم دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی باشد و یا علی و رسمی باشد و با مقامات دان درشت؟ بیست سال بعد از حکومت ارتاج اسلامی، کسی که هنوز بر این تصور است و یا چنین انتظار دارد که این رژیم در مناسبات و مذاکرات با جریانات "اپوزیسیون" از جمله حزب دمکرات و کومله، از اهداف "تفرقه افکانه"، ضدمردمی و "توطئه گرانه" خود دست میشود، یا هنوز ماهیت این رژیم را شناخته است و یا صاف و ساده می خواهد پیرامون این رژیم و یا دست کم یک جناح آن، ولو آنکه خودش هم نداند و یا نخواهد، توهم پراکنی کند! حقیقتاً چه اتفاق بخصوصی افتاده است که سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومله) برای مذاکره با رژیم، این چنین از خود بی تابی نشان میدهد. اگر جریانات بورژوائی، راست و سازشکار که پس از انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری و رویدادهای بعدی، به دنبالچه یک جناح رژیم تبدیل شده اند، چنین مباحث و سیاستی را پیشه کنند، مطلاقاً دورازانتظار نیست. اگر حزب دمکرات و یا جریاناتی مشابه آن که در جریان انتخابات ضد دمکراتیک رژیم به حمایت از یک جناح آن برخاستند، چنین سیاستی را در پیش بگیرند، اصلاً جای تعجبی باقی نمی ماند. از حزب دمکرات این انتظار می رفت و میورد که از تجارب پیشین خود در این زمینه و حتی نسبت به از دست دادن رهبران خود هم درس نگیرد. اما شنیدن این مباحث از زبان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، یعنی حزبی که رسماً و از موضع رادیکال و انقلابی انتخابات قلابی رژیم را تحریم کرده است، حقیقتاً تجرب برانگیز و جای بسی تأسف است!

در گذشته نه چنان دور، حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن به درستی بریکسره کردن کار رژیم جمهوری اسلامی با اتكله به مبارزه کارگران و زحمتکشان و سازماندهی جنبش توده ای تاکید داشت. رهبران کومله له می گفتند با توجه به اوضاع سیاسی و موقعیت جمهوری اسلامی و "بروزشکاف در دستگاه رهبری بورژوازی" برآمد توده ای یک احتمال واقعی است" و "کومله له در کردستان با بهره گیری از ظرفیت های مبارزاتی و نفوذ سیاسی خود کار سازماندهی توده ای را به سرعت و در مقیاس وسیع پیش خواهد برد و دست بکار یکسره کار رژیم در

هر نیروی اندک آگاهی دیدگاه های این گرایش را که اساساً در مقالات مصطفی مدنی تبلور یافته و در چند شماره اخیر اتحاد کار به چاپ رسیده است مطالعه کرده باشد، یقیناً متوجه این مسئله نیزشده است که نویسنده چگونه چندین صفحه را سیاه کرده و آسمان و ریسمان را بهم بافته است برای اینکه بگوید تابعیت اقلیت از اکثریت غیر "دموکراتیک" است، تا در واقع امر عدم پایبندی به اراده اکثریت تشکیلات را توجیه کرده باشد. این گرایش که چپ و راست معیارهای لینی سازمان و حزب را زیر ضرب می گیرد، "در جازدن" ساختارا در "یک جمع محفی" را حاصل چنین ضوابطی می داند و خطاب به آن میگوید که اگر بخواهد به یک "حزب سیاسی فراگیر" تبدیل شود و "وارد کارزار تحولات ایران شود" (۴) قبل از هرجیز بایستی بطور تمام و کمال از این اندیشه ها فاصله بگیرد. نویسنده این مقالات و هفکران وی که تحت تاثیر تحولات اخیر و تبلیغات سنتگین ضد مارکسیستی، از آرمان های پیشین خود دست شسته و از درون تهی شده اند و در اندیشه و افکار آنان دیگر مقولاتی چون مبارزه طبقاتی و حزب طبقاتی هیچگونه جایگاهی ندارد، به سافخا توصیه می کنند، اندیشه حزب کارگری و یا حزب طبقه کارگر و اصولاً حزب طبقاتی را از سر ببرون کند و حزب همه طبقات و حزب جامعه باشد. حاملان این دیدگاه اپورتوئیستی، از حمله به معیارهای لینی حزب هم فراتر رفته و تا مارکس و مانیفست آن نیز جلو می روند. مارکس به اراده گرایی متمم می شود که چرا از حزب طبقاتی کارگران دفاع کرده و در مانیفست کمونیست گفته است "کارگران برای آزاد کردن همه طبقات و به کف آوردن دمکراسی، نخست باید بعنوان یک طبقه قدرت سیاسی را تسخیر کنند و طبقه خود را به عرش برسانند" (۵) در دیدگاه این انحلال طلبان، "تابعیت آگاهانه" و "از روی اختیار" عضو حزب، تحقیر و پاییندی به اراده اکثریت و سانترالیزم دمکراتیک نفی میشود. نویسنده این مقالات که تحت لوای دفاع از "دمکراسی" و "حق فرد" به همه احزاب و جریانهای سیاسی از جمله به نیروهای چپ و کمونیست و مناسبات و معیارهای تشکیلاتی آنها حمله می کند، البته خوشحالی خود را از اینکه "امروز" چنین معیارهای سفت و سختی دیگر در ساختارا وجود ندارد، پنهان نمیکند معهدها در عین حال نمیتوانند نارضایتی عمیق خویش را از هر اقدام نیروهای تشکیلات نظیر "باکوت"، بلوه کردن، بی اعتبار نمودن و یا از همه دوستانه تر ملاحظه کردن" (۶) که به منظور یاد آوری رعایت ضوابط رسمی واراده جمعی به رهبری صورت می گیرد پنهان کند، چرا که معتقد است از این طریق نیز در هر حال نوعی سانترالیزم ولو بسیار رقيق و ضعیفی به اجرا در می آید که این سانترالیزم ولو ضعیف هم البته با "دمکراسی" و خود مختاری خوانانه ندارد. اتحاد کار در این مورد می نویسد "در تشکیلات ما کسی برای تابعیت سینه چاک نمی کند، ما با این ملاحظه کردن" ، با سانترالیزم حدوداً ضعیفی سروکار داریم که در آن رهبری به اجرای عملی بسیاری از مصوبات خود قادر نمی گردد" (۷) نویسنده مقاله در اینجا از وجود سانترالیزم "حدوداً ضعیف" ای صحبت میکند و هر چند توضیح کافی در این مورد که این سانترالیزم با چه ابزاری و چگونه به اجرا در می آید، نمی دهد، اما ادعا می کند که وجود همین سانترالیسم "حدوداً ضعیف" در هر حال مانع از آن می شود که "رهبری" مصوبات "خود" را به اجرا در بیاورد!

نویسنده مقاله البته ترجیح میدهد در مورد مصوبات رهبری که تشکیلات در برابر اجرای آن مانع ایجاد کرده است سکوت کند و چیزی نگوید، معهدها سؤوال اینست که "رهبری" آیا باید "فعالیت های سازمان را در چارچوب مصوبات کنگره هدایت کند" (۸) یا خودش تصمیمات دیگری بگیرد که فرضاً بلکی مغایر با این مصوبات باشد؟ تئوری پرداز انحلال طلبی ، که این حرفا را در اتحادکار ۶۹ زده است ظاهراً فراموش کرده که در یک شماره قبل آن گفته بود "بعد از کنگره هر سیاستی که هیئت اجرائی ما اتخاذ کرد، بلا فاصله از جانب اکثریت تشکیلات به مثابه راست روی مورد انتقاد قرار گرفت. قطعنامه اکثر سمنیارها از عدول هیئت اجرائی و کمیته مرکزی از مصوبات کنگره حکایت دارد" (۹) (تاکیدها از ماست). فردگرایی روشنگرانه ، دائماً تضعیف بازهم بیشتر سختگیری و انطباط را آنهم تحت عنوان رعایت "دمکراسی" طلب میکند و می خواهد آن را به صفر برساند! آخر مگر دمکراسی همان سیاست تووه تشکیلاتی بر نمایندگان منتخب خویش نیست؟! از این قرار معلوم "دمکراسی" انحلال

* خط مشی اپورتوئیستی با

اپورتوئیسم سازمانی توأم است!

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در تاریک برگزاری چهارمین کنگره خویش است . از بحث های پیش کنگره ، چنین بر می آید که تعیین قطعی خط مشی سیاسی، باز هم مهمترین موضوع بحث این کنگره خواهد بود. بحث اصلی کنگره قبلی سافخا نیز اوضاع سیاسی و تعیین خط مشی سیاسی این سازمان بعد از روزی کارآمدن خاتمی بود. گرایش رفرمیستی و عمیقاً راستی که اساساً در کمیته مرکزی این سازمان تبلور یافته بود، با ارائه قطعنامه ای که سرنگونی رژیم را از دستور خارج می ساخت و شعار محوری آن "الغا ولایت فقهی" بود و خلاصه تاکتیک دفاع از "جمهوریت" در برابر "ولایت" را تجویز می کرد، در نظر داشت کل این سازمان را رسماً به دنباله روى از جناح خاتمی بکشاند. اما این قطعنامه با کسب ۴۷ درصد آراء به تصویب نرسید . از سوی دیگر قطعنامه ارائه شده توسط گرایش انقلابی این سازمان که هنوز به مبارزه با کلیت رژیم و سرنگونی آن باور داشت، فقط ۴۴ درصد آراء را به دست آورد و اینهم به تصویب نرسید . سرانجام قطعنامه ای که مشترکاً توسط هردو گرایش تهیه شده بود، به تصویب رسید و علی الظاهر به بن بستی که بوجود آمد بود پایان داد . معهدها از آنجا که این قطعنامه به نوعی معدل گیری دیدگاه های هردو گرایش بود، به نحوی تنظیم شده بود که هم بازتاب دهنده مواضع گرایش اول باشد و هم گرایش دوم . این قطعنامه در واقع نه تماماً مواضع گرایش اول بود و نه تماماً مواضع گرایش دوم و در عین حال هم این بو وهم آن ! و خلاصه هردوی این گرایش ها می توانستند تقاضی و برداشت های خاص خودشان را از آن داشته باشند.

اگر چه کنگره پیشین سافخا با رد کردن قطعنامه کمیته مرکزی، این سازمان را موقعتاً از سقوط کامل به ورطه رفرمیسم و مواضع حزب توده نجات داد، اما جریان امور بعد از آن نشان داد که سازش نظری سند شده میان دو گرایش در مورد خط مشی سیاسی، هیچ منعی بر سر راه گرایش راست که اهرمهای اجرائی و سیاسی را در اختیار داشت ایجاد نکرده است. این گرایش، هم با توجه به موقعیت و مکانی که در سافخا و رهبری آن داشت و هم با استفاده از ابهامات و خلل و فرج سندی که در هر حال فاقد شفاقتی لازم بود ، توانست به نفع سیاستهای رفرمیستی و راست روانه خود سود بجوید و در موضع گیریهای سیاسی اش، کلیت رژیم را از زیر ضرب خارج کند و سافخا را به دنباله روى و حمایت از دارو و دسته خاتمی بکشاند که برای نمونه می توان به موضع گیری آن در مورد سوراهای اسلامی و دعوت از مردم برای شرکت در انتخابات اشاره نمود . خود نمایندگان نظری و پیشبرنده این خط مشی راست روانه نیز در این مورد از جمله چنین گفتند: "بعد از کنگره هر سیاستی که هیئت اجرائی ما اتخاذ کرد، بلا فاصله از جانب اکثریت تشکیلات بمثابه راست روی مورد انتقاد قرار گرفت. قطعنامه اکثر سمنیارها از عدول هیئت اجرائی و کمیته مرکزی از مصوبات کنگره حکایت دارد" (۱) بدین ترتیب این گرایش راست و اپورتوئیستی نه فقط از توافق جمعی کنگره علیه کلیت رژیم را بعمل می برد . افشاء تلاش های خاتمی برای حفظ چارچوب رژیم (۲) عدول نمود و آن را زیر پا گذاشت، بلکه در همین فاصله سعی کرده است تحت عنوان "اعتقاد" به "دمکراسی" و "حق فرد" و به این بهانه که گویا "دمکراتیسم" در سافخا " به امرجا افتاده ای تبدیل شده است" (۳) اقدامات کمیته مرکزی و هیئت اجرائی نسبت به عدول از قرارهای جمعی را توجیه کند و از این هم مهتر این شیوه کار را تعیین داده و به اسلوب رسمی و همیشگی تشکیلات سافخا مبدل سازد!

هم اکنون سوی موضع خط مشی سیاسی که مهمترین و کانونی ترین موضوع اختلاف میان دو گرایش اصلی سافخاست، تلاش های گستردۀ ای از سوی گرایش راست و رفرمیست این سازمان به منظور به اصطلاح تبدیل اتحاد فدائیان خلق ازیک سازمان "بسن" به یک "حزب فراگیر" بعمل می آید و در همین رابطه است که بحث های انحلال طلبانه ای، پیرامون "سازمان"، حزب، معیارها و مناسبات تشکیلاتی به میان کشیده شده است که تماماً حاکی از تلاشی است که این گرایش برای استحالة کامل سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به یک جریان علنی - قانونی و بی خاصیت بورژوا - رفرمیست بعمل می آورد.

طبایان، معنایش آن است که اکثریت تشکیلات هم نسبت به عدول رهبری از مصوبات جمعی چیزی نگوید و بگذارد آنها فارغ از هر قید و بندی ولو تصویبات کنگره هم باشد، آزاد باشند و به هر سمتی که دلشان میخواهد، تشکیلات را سوق دهن!

"دموکراسی" خواهی انحلال طبایان، فقط در حد نفی سانترالیزم دمکراتیک و زیر پا گذاشتن موازین جمعی خلاصه نمی شود، این دیدگاه بعداز آنکه با تابعیت اقلیت از اکثریت تعیین تکلیف و آنرا نفی می کند و پیرامون حقوق اقلیت سخن می گوید، در عمل شعار چند حزب و دسته دریک حزب را سر می دهد. می نویسد "نظر حزب با نظر اکثریت آن تعریف می شود اما" اما این به مفهوم آن نیست و بناید باشد که اقلیت تنها بتواند در محدوده مسائل نظری اختیار داشته باشد و

تواند به هر تعداد و با هر کمیت به نام خود نسبت به رویدادهای سیاسی واکنش نشان دهد "(۱۰) ما تصور نمی کنیم که بحث کردن در مورد موازین حزبی و مصوبات و انتظابات جمعی و امثال آن، با کسی که در پی ایجاد "حزب جامعه" است فایده ای داشته باشد و ترجیح میدهیم که وارد آن نشویم، معهدا در مورد گفتار فوق، شما یک لحظه رویداد سیاسی مشخصی مثل انتخابات مجلس را مجسم کنید، فرض کنید گرایش راست سافخا دراقلیت است اما میخواهد درانتخابات شرکت و مردم را به حمایت از کاندیداهای جناح خاتمی دعوت کند، اما نظر رسمی و یا اکثریت سافخا، عدم شرکت در این انتخابات باشد و در اطلاعیه‌ای آنرا تحریم کند. دمکراسی آقایان معنایش اینست که آنها "به هر تعداد و با هر کمیت" از این اختیار و امکانات برخوردار باشند که فرضاً طی اطلاعیه ای از مردم بخواهند در انتخابات شرکت کنند. بدین ترتیب سافخا یکبار آنرا تحریم می کند و یکبار هم در آن شرکت می کند. در یک اطلاعیه از مردم خواسته می شود در انتخابات شرکت نکند و هم‌مان در اطلاعیه دیگری از آنها خواسته میشود به نفع جناح خاتمی را دهند! حال اگر گرایش سوم و چهارمی هم در سافخا پیدا شد که فرضاً خواسته شرکت کند و نه تحریم و یا هم شرکت کند و هم تحریم! آنها هم باید این اختیار و امکانات را داشته باشند که بتوانند اطلاعیه های خودشان را صادر کنند. البته این مسائل شاید در خود سافخا مشکل چندانی ایجاد نکنند، اما تصدیق کنید برای مردم مشکل است که از این قضیه و از این همه بشو سر درآورند! به یک چنین معجونی می گویند "حزب فراگیر"، حزب دمکراسی، حزب جامعه و حزب احزاب! که در آن صد البته هر گروه و دسته‌ای سرگرم کار خویش است! معهدا پروژه تبدیل سازمان "بسته" اتحاد فدائیان خلق به یک "حزب فراگیر" به اینها هم خلاصه نمیشود. عمق فاجعه زمانی برملا میگردد که حاملان این دیدگاه، "شکل کار" حزب فراگیر خود، چارچوبهای فعالیت و اهداف آنرا نیز مشخص می کنند. مصطفی مدنی در اتحاد کار می نویسد "شکل کار چنین حزبی الزاماً علی، قانونی و مตکی بر زندگی واقعی و حقیقی است. از اینرو با مخفی کاری و سازماندهی مخفی که واکنش توطئه امیز در برابر توطئه گریست، فاصله دارد"(۱۱) هرخوانده آگاهی این را میداند که اوردن عبارت "متکی بر زندگی واقعی و حقیقی" صرفاً به منظور کاستن از قبح مسئله و پوشاندن اپورتونیسم بیکرانی است که در این اظهار نظرها موج میزند و گردن کیست که نداند اتكله بر زندگی واقعی و حقیقی ربطی به علی یا مخفی بودن حزب ندارد. حزبی می تواند علی باشد اما متکی بر زندگی حقیقی و اقعی نباشد و بر عکس حزب دیگری میتواند مخفی باشد و بر زندگی واقعی و حقیقی اتكله داشته باشد! اما از این مسئله که بگذیریم حرف مشخص اینست که حزب فراگیر مردم نظر تئوری پرداز سافخا، باید به صورت علی و قانونی فعالیت کند که گستره فعالیت و اهداف آنرا نیز چنین مشخص کرده است "در کشور ما که جمهوری اسلامی به قوانین بین المللی حقوق بشر، و دیگر حقوق ابتدائی شهروندان پاییند نیست حزب سیاسی . . . می باید مهمترین رکن فعالیت خود را روی تحمل نمودن این حق اولیه به حکومت مرکز نماید" و در چارچوب "قانون اساسی جمهوری اسلامی" و "التزام" به آن به شرط رعایت "قوانين حقوق بشر" و پذیرش "حق مخالفت با قانون اساسی"(۱۲) در داخل کشور به فعالیت پردازد!

تصویر ما براین است که بحث ها و نقل قولهای فوق واضح تراز آن است که نیازی به تفسیر و توضیح آن باشد. در این مورد همین قدر کافیست که گفته شود، حتی سازمان اکثریت و رهبران آن نیز زمانی که همین

پروسه ارتضاد امروز فراریان از اردیوی انقلاب در سافخا را می گذرانند، به خود جرات ندادند با این درجه ازو قاخت و بی مسئولیتی، فرمان انحلال سازمان خویش را صادر کنند! حقیقتاً هم کسی که از راه و اندیشه های مارکس و لنین برمی گردد، از انقلاب و تحولات اساسی دست می شوید و به یک رشته اقدامات و اصلاحات ناجیز و جزئی در چارچوب نظم موجود دل خوش می کند و کمر به حک و اصلاح جمهوری اسلامی می بندد، دیگر چه نیازی به حزب و سازمان رزم و تشکیلات مخفی دارد؟ مسئله از ابتدا هم روشن بود که پذیرش مواضع اپورتونیستی در عرصه های نظری و سیاسی، نمی توانست به پذیرش مواضع اپورتونیستی در زمینه مسائل تشکیلاتی تعیین نیابد چرا که اپورتونیسم در مسائل برنامه، طبعاً با اپورتونیسم در مسائل تاکتیک و اپورتونیسم در مسائل سازمانی توأم است!

برغم تمامی این بحث ها اما مصطفی مدنی به یک نکته درست نیز اشاره کرده است. او بعد از آنکه همه جریانات از "اولتراچ" تا "اولتراراست" را به اصطلاح نقد میکند، سخنی هم در مورد سافخا و "میانه ها" میگوید، "میانه ها که ما نیز شامل آن هستیم حالت پرندگان و زنگی را داریم که دلش هوای زمین را دارد، می خواهد بر بستر زندگی و خاک فرود آید، اما از ترس اینکه پاهایش بشکند، گشت زنی را به نشستن ترجیح می دهد"(۱۲) این سخن از این جنبه صحیح است که جریان "میانه" نمی تواند تا ابد میان دو صندلی بنشیند. اتحاد فدائیان خلق ایران باید به این میانه بازی خاتمه دهد. یا به عنوان یک سازمان جدی و انقلابی در صرف کارگران و زحمتکشان بایستد و از انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی و از تحولات رادیکال و انقلابی دفاع کند و یا صاف و صریح به صفت حمالین انقلاب و سرنگونی و طرفداران خاتمی ملحق شود، راه سومی وجود ندارد. کنگره اتحاد فدائیان خلق ایران، بایستی لاقل در مورد خط مشی سیاسی و ضوابط تشکیلاتی تصمیمات صریح و مشخصی اتخاذ نماید و به این دو گانگی پایان دهد. اگر چه هنوز نمی توان از اتخاذ تصمیماتی در راستی احیا و تحکیم مواضع انقلابی بکار قطع امید کرد، با اینهمه درکمال تاسف باید اذعان کرد که تجربه و پروسه کار چندین ساله این سازمان که متراجعاً به سمت بورژوا لیبرال ها و جریانات راست و جریانات ایجاد نماید کرده است و از فاصله های بین اینها کاسته است، امید چندانی هم درانسان نمی آفریند! حال باید دید "پرنده" سافخا سرانجام دستاز "گشت زنی" خواهد کشید و به خواست و توصیه رفرمیستها به وداع قطعی با "پرواز" به بهانه "زنگی" روی خواهد کرد و بر دامی که بورژوازی گسترانده خواهد نشست" یا این جسارت را خواهد داشت که با عبور به فرازهای عالی تری از پرواز، صفت خود از صفت خسته گان اموزنی که خود از "تشابه عجیب محتوى نظری شان"(۱۴) با بریدگان دیروزی _ که مدت‌هاست پرواز را از خاطر برده‌اند_ سخن میگویند و خود را به آنان "نزدیکتر"(۱۵) می بینند، جدا کنند؟

زیرنویس ها:

- ۱، ۹ و ۱۳ اتحاد کار شماره ۶۸ آذر ۷۸ مقاله "بحثی درباره روش کار"
- ۲ اتحاد کار شماره ۵۲ مرداد ۷۷ سند شماره یک "قطعنامه در باره اوضاع سیاسی و وظائف ما"
- ۳، ۶، ۷ و ۱۰ اتحاد کار شماره ۶۹ دیماه ۷۸ مقاله "شكل کار ما با فکرمان منطبق نیست"
- ۴، ۵، ۱۱ و ۱۲ اتحاد کار شماره ۷۱ اسفند ۷۸ مقاله "سازمان بسته یا حزب فراگیر"
- ۸ اتحاد کار شماره ۵۲ مرداد ۷۷ سند شماره ۴، "اساسنامه سازمان!"
- ۱۴ "ما و یک بخش از اکثریت تشابه عجیبی با یکدیگر داریم هم در محتوای نظری و هم در عمل و روش کار . . . معتقدیم که شعار سرنگونی "شعار روز مردم نیست بلکه وظیفه مقدم خلع ید از ولایت فقیه است" اتحاد کار شماره ۶۸ آذر ۷۸ _ مصطفی مدنی
- ۱۵ "آیا برای امثال من که خود را به مواضع جناح چپ اکثریت نزدیک تر می بینند . . ." اتحاد کار شماره ۶۹ دیماه ۷۸

درمحوطه دهها کارخانه دست به تحصن زده و خواستار لغو فوری این تصمیم شدند. چند روز پیاپی، اعتصابیون با ماموران پلیس و ارتش، که صفوی کارگران را مورد حمله قرار میدادند، درگیر شدند. در طی این درگیریها بیش از ۸ کارگر با گلوله های نیروهای سرکوبگر به قتل رسیدند. دهها نفر مجرح و دستگیر شدند و تنی چند از رهبران این اعتصاب بازداشت و بقیه به زندگی مخفی روی آوردند. برغم حملات وحشیانه پلیس به صفوی اعتصابیون، مبارزه کارگران ادامه یافت و سرانجام روز ۹ آوریل دولت بولیوی در این شهر حکومت نظامی اعلام نمود. نیروهای ارتش که کنترل اوضاع را به دست گرفتند در گام نخست اقدام به تعطیل چند روزنامه و رادیوی محلی نموده و به اعتصابیون اخطار دادند که با اعتراضات آنها به شدت برخورد خواهد شد. برغم بگیر و ببند نظمامیان، کارگران با عزمی راسخ به مبارزات خوددامداده و تنها ۳ روز پیش از برقراری حکومت نظامی در این شهر، دولت بولیوی عقب نشینی نموده و پارلمان این کشور اعلام نمود که به زودی قرار داد و اگذاری خدمات آبرسانی شهری با شرکت انگلیسی را فسخ خواهد نمود از اعتصابیون خواست که به فوریت به اعتراضات و تظاهرات خود پایان دهند. با وجود اعلام این خبر، کارگران اعتضابی در شهر Cochabamba و دیگر شهرها اعلام نمودند که تا تصویب این لایحه توسط پارلمان و قطعی شدن فسخ این قرار داد، به سرکارهای خود بازنمی گردند.

پیروزی معدنچیان در جمهوری چک

اکنون مدت‌هاست که صاحبان معدن ذغال سنگ کوه نور واقع در منطقه Bohemia در جمهوری چک، اعلام نموده اند که بزودی این معدن را تعطیل کرده و بیش از ۹۰۰ کارگر این معدن را اخراج خواهند نمود. دولت جمهوری چک نیز که قبل از اثرباره از کارگران این معدن تعهد کرده بود با پرداخت زیان به کارفرما، از تعطیلی این معدن جلوگیری کند، به بهانه کسری بودجه از این کار سرباز زد. اخراج کارگران و فقدان آینده روش، از جمله عواملی بودند که معدنچیان را به مبارزه همه جانبه علیه سودجوئی سرمایه‌داران کشاند. در همین راستا از روز ۲۱ مارس، ۴۷ نفر از معدنچیان که برای انجام کار خود به عمق ۳۵۶ متری زمین رفته بودند، اعلام نمودند که تا توقف تلاشی صاحبان معدن برای فروش آن، پرداخت کمکهای اقتصادی از سوی دولت و عدم اخراج اعتصابیون، دراعماق زمین دست به تحصن خواهند زد. به محض اطلاع دیگر کارگران از این اقدام شجاعانه هم زنجیران خود، دهها نفر به تونل ورودی معدن هجوم

در صفحه ۱۲



پیروزی کارگران در کوستاریکا

روز ۵ آوریل، دهها هزار نفر کارگر در سراسر کوستاریکا، دست به یک اعتراض نامحدود شدند. این حرکت در اعتراض به خصوصی سازی خدمات آبرسانی و برق این کشور انجام گرفت. با آغاز این اعتراض، راههای اصلی ارتباطی، راه آهن، دهها هتل به تعطیلی کشانده شده و چندین کشتی عظیم تجارتی با بیش از ۲۰۰ کانتینر در بین کاکاهای این کشور برای تخلیه بار خود به انتظار ماندند. اقدامات یکپارچه کارگران سرانجام دولت این کشور را واردار به عقب نشینی نموده و نمایندگان کارگران برای بحث و بررسی حول راههای حل مشکلات کارگران، به مذاکره دعوت شدند. دولت نمودند که حداقل تا ۲ ماه آینده راه حلی برای وضعیت موجود را ارائه خواهد داد.

اعتراض کارگران انبار در دانمارک

روز ۷ آوریل، بیش از ۱۰۰۰ نفر کارگر FDB اینبارهای فروشگاههای زنجیره ای دست به یک اعتراض نامحدود شدند. این اقدام کارگران در اعتراض به طرح پیشنهادی کارفرما، اسکانداندیناوی آن باشد. اتحادیه کارگران صنایع کاغذسازی سوئد Pappers، بلا فاصله اعلام نمود که کارگران سوئدی به هیچ عنوان قصد ندارند که نقش "اعتراض شکن" رادر اختلافات میان کارگران کاغذساز فنلاند و سرمایه داران این کشور ایفا کنند. همزمان اتحادیه جهانی کارگران صنایع کاغذسازی ICEM، به سرمایه داران فنلاند هشدار داد که در صورت تکرار تعیین کارگران اعتمادی مبنی بر انتقال کارخانه های کاغذسازی از این کشور، از تمام کارگران جهان خواهد خواست که با این تشییقات سرمایه داران به مقابله برخیزند.

پیروزی کارگران در بولیوی

اوایل ماه آوریل دولت بولیوی اعلام نمود که خدمات آبرسانی شهری در این کشور به یک شرکت خصوصی انگلیسی به نام IWL و اگذار خواهد شد. با این قرارداد صاحبان این شرکت ۲۰۰ میلیون دلار به جیب زده و توده های فقر زده بولیوی باید بخش دیگری از دستمزد ناچیز خود را به جیبان‌های ایالاتی سراسری سازیز کنند. اعلام این خبر خشم میلیونها نفر کارگر و زحمتکش این کشور را دامن زده و موج وسیعی از اعتراضات کارگری را در چند شهر به راه انداخت. روز ۲ آوریل دهها هزار نفر کارگر، دهقان بی‌زمین، داشجو و کارمندان دولت در شهر Cochabamba، سومین شهر بولیوی، دست به یک اعتراض نامحدود شدند. خواست کارگران در این اعتراض افزایش دستمزدها به میزان ۵ درصد، بهبود شرایط ایمنی کار، کاهش ساعت کار هفتگی از ۲۵ ساعت در هفته به ۳۲ ساعت و پرداخت

فنلاند: ۳۰ هزار کارگر در اعتراض

نیمه شب ۱۱ آوریل، مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی میان ۳۰ هزار کارگر شاغل در صنایع کاغذسازی فنلاند و کارفرمایان این صنایع به بن بست رسیده و ظهر روز ۱۲ آوریل، تمامی کارگران در پاسخ به فراخوان اتحادیه سراسری کارگران صنایع کاغذسازی Paperiliitto، دست به یک اعتراض نامحدود شدند. خواست کارگران در این اعتراض افزایش دستمزدها به میزان ۵ درصد، بهبود شرایط ایمنی کار، کاهش ساعت کار هفتگی از ۲۵ ساعت در هفته به ۳۲ ساعت و پرداخت

اخرج کارگران کارخانجات صنایع نظامی هلن

روز ۱۲ آوریل صدها تن از کارگران کارخانه Signaal که سازنده قطعات و تجهیزات نظامی است، دراعتراض به خطر اخراج بیش از یک سوم نیروی کار این کارخانه دست از کار کشیدند. کارخانه فوق درحال حاضر ۲۴۰۰ کارگر دارد و طی ۱۰ سال گذشته پرسنل خود را به نصف تقليل داده است. روند بیکارسازی از سال ۹۱ آغاز شد. در آن سال ۷۰۰ کارگر، در سال ۹۲ ۷۰۰ نفر، در سال ۹۴ ۱۲۵ کارگر اخراج شده اند. تا پایان سال ۲۰۰۰ بیش از ۹۰۰ تن دیگر نیز اخراج شوند.

اعتراض جهانی علیه خصوصی سازی

از انگلستان و آلمان تا نامیبیا و اجزای فیلیپین تا ونزوئلا روز ۲۹ مارس شاهد قدرت نمائی دهها هزار کارگر راه آهن بود. این روز به همت و ابتکار اتحادیه جهانی کارگران حمل و نقل ITF روز مبارزه جهانی کارگران راه آهن علیه خصوصی سازی خطوط راه آهن و افزایش ایمنی محیط کار، اعلام شد. در این روز کارگران راه آهن دهها کشور جهان دست به تعطیل کارها زده و به اشکال مختلف مخالفت خود را با سیاست های سرمایه داران به نمایش گذاشتند. در کروواسی، کارگران راه آهن در شلوغ ترین ساعت روز، بیش از ۸۰ قطار باری و مسافری را به مدت یک ساعت متوقف نمودند. این اعتراض کارگران، مورد حمایت تمامی کارگران حمل و نقل این کشور قرار گرفت. نمایندگان کارگران رومانی، مجارستان و کروواسی ضمن دیدار خود در این روز طی بیانیه مشترکی خواستار سرمایه گذاری بیشتر دولت در زمینه نگهداری و توسعه خطوط راه آهن و افزایش ایمنی کار کارگران شدند. سازمان جوانان اتحادیه کارگران راه آهن در آلمان (Gded)، در دو ایستگاه فرانکفورت و نورنبرگ دست به برپائی تجمعات داشتند.

در صفحه ۳

در اعتراض به کارشناسی های دولت این کشور در جریان مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی انجام گرفت. در حالیکه تورم هر روز بیشتر تشدید شده و قدرت خرید کارگران هر روز بیشتر کاهش می یابد، دولت این کشور کارگران را به صبر دعوت نمود و از آنها خواست برای پیشرفت !! کشور از بنل هرگونه فداکاری دریغ نکند. کارگران گفتند که شکم گرسنه خانواده آنها صبر و تحمل نداشته و مستمزد آنها باید در سال جدید مناسب با نرخ تورم افزایش یابد.

اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر در آلمان

۱۲۰۰ نفر کارگر کارخانه سازنده پمپ های Hvidroliliky Grundfoss در دو شهر Hvam و Bjerringbro از روز ۲۸ مارس دست به یک اعتراض نا محدود زدند. خواست کارگران افزایش دستمزدها مناسب با نرخ تورم است. تنها چند سال قبل بود که سرمایه داران موفق شدند افزایش دستمزدها مناسب با نرخ تورم را از شروط کارگران حذف کنند، و در این مدت با دست باز به چیاول دسترنج آنان بپاذند. اما روند واقعی مبارزه، مجدداً این خواست را در دستور کار مبارزات کارگران قرارداده است. هر چند صاحبان این کارخانه با این خواست کارگران به شدت مخالفت می کنند، اما عزم جزم کارگران به ادامه مبارزه تا حصول پیروزی، سرانجام سرمایه داران را قادر به عقب نشینی خواهد نمود.

اعتصاب کارگران فیلیپس در هلن

صدها تن از کارگران فیلیپس روز ۲۵ آوریل در اعتراض به لغو قراردادهای دستجمعی، دست به اعتراض زدند. با لغو این قراردادها ۲۸۰۰ کارگر شعبات مختلف این کارخانه در آستانه اخراج و یا محروم شدن از مزایای شغلی قرار گرفته اند. اولین حرکت اعتراضی کارگران فیلیپس در شهر Drachten صورت گرفت که اکثر کارگران آن زن هستند. لازم به ذکر است که فدراسیون اتحادیه های کارگری هلن، از این اعتراض حمایت نکرد.

تجمع اعتراضی

کارگران

فیلیپس

در هلن



برده و تلاش کردند که به اعتضابیون بپیوندند. صاحبان معدن با دیدن عکس العمل کارگران، به فوریت دهانه توپل و روپی را اشغال کرده و از رفتن کارگران به زیرزمین چشم جلوگیری نمودند. اما کارگران دستاز مبارزه برنداشته و در محظوظه معدن دست به تحصن زده و به این ترتیب بیش از ۹۰۰ نفر معدنچی برای حقوق خواسته های خود تمام کارهارا تعطیل کردند. سرانجام در چهارمین هفته این اعتضاب، ودر حالیکه گرمای محل تحصن معدنچیان در اعماق زمین به ۶۰ درجه میرسید، دولت جمهوری چک و صاحبان معدن عقب نشینی نموده و تمام خواسته های معدنچیان را پذیرفتند. به این ترتیب تا ۵ سال آینده دولت این کشور کمک از تعطیل معدن در میان خواهد بود.

کارگران کره جنوبی : کارخانه تعطیل خواهد شد!

یکی از دو کارخانه عظیم اتوموبیل سازی Daewoo در نزدیکی شهر سئول پایتخت کره جنوبی، با مشکلات اقتصادی روپرتو بوده و اکنون در آستانه ورشکستگی قرار دارد. این کارخانه با ظرفیت تولید ۵۲۰ هزار اتوموبیل در سال، یکی از بزرگترین کارخانجات اتوموبیل سازی در کره جنوبی است. صاحبان این کارخانه راه چاره رادر فروش این کارخانه به شرکت های خارجی دیده و هم اکنون نمایندگان دو کمپانی عظیم آمریکائی یعنی جنرال موتورز و فورد مشغول چانه زنی با صاحبان فعلی آن هستند. پخش این خبر در روز ۲۶ آوریل، خشم ۷۵۰۰ کارگر این کارخانه را برانگیخت و تمامی مقامات دولت، فشار و سرکوب بیشتر بود. رهبران اتحادیه کارگران و از جمله نماینده کارگران در این کارخانه به دستور مقامات پلیس و به جرم دعوت کارگران بدادامه اعتضابی که از سوی مقامات دولت غیر قانونی اعلام شده، بازداشت و روانه زندان گردیدند. اعتضابیون میگویند که فروش این کارخانه به رقبای غربی، چیز دیگری جز تعطیل این کارخانه و بیکاری همه آنان نیست. (نمایندگان خریداران علنا این خبر را تائید کرده و آنرا تنها راه مقابله با زیان دهی این کارخانه عنوان نموده اند؟) در همین رابطه بیش از ۷۳ هزار نفر کارگر کارخانجات اتوموبیل سازی Kia و Hyundai و ۱۲ آوریل، در همبستگی با اعتضابیون Daewoo دست از کار کشیدند.

اعتصاب نفتگران و نزوئلا

روز ۳ مارس، نزدیک به ۶۰ هزار نفر از کارگران صنایع نفت و نزوئلا دست به یک اعتضاب نا محدود زدند که متعاقباً تولید هرگونه فرآورده نفتی متوقف شد. این حرکت یکپارچه کارگران

بحran سیاسی عمیق تو و لحظه انقلاب نزدیک تو می‌شود

بویژه در پی تشکیل مجلس ششم تشید خواهد شد. بحران قدرت هم به جای خود باقی خواهد ماند. حل بحران قدرت، مستلزم سیاست و راه حلی است که به نیازهای میر جامعه و حل تضادهای موجود یاری رساند، در حالیکه سیاستهای این هردو جناح با شکست روپرتو شده اند. لذا بحران قدرت در چارچوب نظام سیاسی موجود حل نخواهد شد و تنها یک انقلاب که هردو جناح هیئت حاکمه را به زیر بکشد و تمام ارکان رژیم جمهوری اسلامی را درهم بکوبد می‌تواند به بحران قدرت و نیز بحران اقتصادی و سیاسی عمومی پایان بدهد. درگیری و کشمکش این جناح‌ها هنوز می‌باید ادامه یابد تا تمام قدرت جناح مسلط تعییف شود و تحلیل رود و درهمین حال جناح خاتمی نیز شکست و ناتوانی خود را حتی به عقب مانده ترین بخش توده مردم متوجه نشان دهد. این درگیری‌ها ادامه خواهند یافت تا زمانی که مبارزه توده مردم به یک مبارزه سیاسی سراسری ارتقا یابد و جمهوری اسلامی را با تمام جناح‌های آن به گورستان تاریخ بسپارد. این مبارزه هم اکنون نیز در ابعادی به وسعت سراسر ایران و در اشکالی بسی متعدد نظیر اعتصاب، راهپیمانی، گردهم آئی، تظاهرات، تحصن، شورشها و قیام‌های محلی در جریان است، اما هنوز پراکنده و نامرتبط است. بهم پیوستن این جویبارهای پراکنده به هم دریک سیل خروشان، هنگامی تحقق خواهد یافت که طبقه کارگر به حربه اعتصاب عمومی سیاسی متولی گردد. در اینجاست که اعتراض مردم در قیام و انقلاب تبلور خواهد یافت. خامنه‌ای بیهوده مردم را با کشتار و خونریزی و سرکوب تهدید می‌کند، هنگامی که کارگران و زحمتکشان اراده کنند، یک شبه بساط پوشالی مزدوران سپاه، بسیج، نیروی انتظامی و ارتشی را به همراه خامنه‌ای و رژیم اش جاروبخواهند کرد. روند تحوّلات سیاسی چند هفته اخیر، گسترش اعتراضات و اعتله مبارزات توده مردم، تشید تضادهای درونی هیئت حاکمه، مقاومت جناح مسلط در برابر هرگونه تحول و توسل به تشید اختناق و سرکوب، آشکار شدن هرچه بیشتر ناتوانی و شکست جناح خاتمی دربرابر تعرضاً جناح مسلط، همگی گواهی بر این حقیقت‌اند که بحران سیاسی عمیق‌تر و لحظه انقلاب نزدیک ترمیشود. جمهوری اسلامی هیچ راهی جز قیام و انقلاب در برابر مردم ایران قرارنداشته است.

گزارش نماینده کمیسیون حقوق بشر پیرامون اوضاع ایران :

«نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد»

در اواسط ماه ژانویه گزارش موریس کاپیتورن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران انتشار یافت. او در این گزارش با این که به دفعات از اصلاحات پیش از جمله آمده است: "... علیرغم گزارش از جمله آمده است: "... علیرغم تقاضاهای مکرر نهادها و ارگانهای دفاعی حقوق بشر، دولت ایران هنوز از صدور اجازه برای ورود این هیئت‌ها خودداری می‌کند. همین امر مانع از بررسی دقیق رعایت حقوق بشر می‌باشد. با این حال گزارشات رسیده و پی‌گیری منابع متعدد حاکی از تداوم رفتارهای خشونت آمیز علیه مخالفین سیاسی و دگر‌اندیشان بوده است. بررسی و تحقیق پیرامون اوضاع ایران برپایه مندرجات نشریات منتشره در ایران است. با توجه به این نکته شایان ذکر است که قوه قضائی ایران نهادی مستقل نیست و از همین‌روز سرکوب‌های ناشی از این اتفاق دارد. مثال مشخص این امر جریان حمله به کوی دانشگاه است که طی آن دادگستری از پیگرد مستولین و عاملین سربازی. در وضعيت زنان ایران بهبود چشم گیری حاصل نشده است و تبعیض همچنان در عرصه‌های متعددی موجود است. حقوق اقلیت‌های ملی در ایران همچنان بطور مستقیم و غیرمستقیم نقض می‌شود. دستگیری و اسارت ۱۳ تن از یهودیان در ایران نفوذان ادعاست. فشار بر مطبوعات روز به روز افزایش می‌یابد و هر روز محدودیت تازه‌ای بر سر راه انتشار نشریات نوظهور به چشم می‌خورد. در دوره گذشته موارد متعددی از ناپدیدشدن دگراندیشان در ایران مشاهده است. اجساد شکنجه شده کشته شدگان پس از چند روز در بیان‌ها پیدا شده است. مسئولین قضائی ایران برغم وجود سرنخ هایی از عاملین این قتلها، تا به امروز از پی‌گیری این پرونده‌ها کوتاهی نموده اند و پرونده قتل‌های سیاسی چنان باز است".

با این که مفاد این گزارش در اجلas ماه آوریل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارائه شد و حاکمی از تداوم نقض حقوق بشر در ایران بود، اجلاس فوق با ۲۶ رای موافق، ۲۱ رای مخالف و ۱۱ ممتنع، رای به بهبود اوضاع در ایران داد.

گسترش مبارزات ضد سرمایه داری

اعتراضات علیه مؤسسات مالی سرمایه داری

طی ماه‌های گذشته، مبارزات ضد سرمایه‌داری اوج بیشتری گرفته است. پس از از تظاهرات وسیع ماههای گذشته در سیاتل در محل برگزاری اجلاس سازمان تجارت جهانی، بار دیگر روز ۱۶ آوریل، واشنگتن محل تظاهرات‌های ضد سرمایه‌داری بود. در این روز که مصادف بود با شروع اجلاس بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، قریب به بیسیت هزار تن از کارگران، کارمندان، دانشجویان، بیکاران و بی خانمانان در محل برگزاری جلسه فوق‌گردآمدند. تظاهرات کنندگان که از کشورهای مختلف و باهوای پیما، اتوبوس و قطار در محل حاضر شده بودند، در اعتراض به سیاستهای اقتصادی که به خانه خرابی، تشديد فقر و بیکاری منجر شده، به تظاهرات پرداختند. "کار، مسکن و عدالت اجتماعی" خواست محوری تظاهر کنندگان بود. در اولین روز تظاهرات، انبوه عظیم شرکت کنندگان مانع از خروج نمایندگان و میهمانان اجلاس شدند. هزاران پلیس و نیروهای ویژه سرکوب به دستگیری و قلع و قمع تظاهر کنندگان پرداختند بالاخره پس از ساعتها پلیس موفق شد هیئت‌های شرکت کنندگان را خارج کند. در جریان درگیریهای روز اول، مجموعاً ۷۰۰ تن از معتبرین دستگیر شدند.

در دومین روز، پلیس و نیروهای سرکوب برای جلوگیری از بروز اخلاق در تداوم جلسه، تحت شدیدترین اقدامات امنیتی و با گسیل صدها ماشین اسکورت، ساعت ۵ بامداد، هیئت‌های شرکت کنندگان را به محل اجلاس منتقل کردند. شدت اقدامات امنیتی به حدی بود که وزرای اقتصاد فرانسه و پرنس غال که موقوف نشده بودند، خود را رس ساعت ۵ صبح به محل برسانند، اجازه نیافتدن به ساختمان وارد شوند حتی تلاش‌های دیپلماتیک و تماسهای تلفنی کشورهای متبوع این دو وزیر هم به شکست انجامید و آنان به اجلas راه نیافتدند.

در جریان تظاهرات فوق بیش از ۱۶۰۰ تن از تظاهر کنندگان دستگیر و صدها تن مجرح شدند. اما برغم وحشی گری نیروهای سرکوب، معتبرین ۴ روز تمام مخالفت خود را به نمایش گذارند.

اجلاس اخیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی تصمیمات متعددی اتخاذ نمود. مهمترین مصوبه پیشنهادی بود که از سوی اجلاس اضطراری ۷ کشور بزرگ صنعتی ارائه شده بود. بر اساس این پیشنهاد که به تصویب رسید، از این پس اعطای وام و کمکهای اقتصادی به کشورهای موردنظر، در اسرع وقت صورت خواهد گرفت تا زاین طریق از بروز "مشکلات" و "شیع" آنها در کشورهای مورد نظر جلوگیری شود.

کمک مالی دریافت شده

ایتالیا - رفیق توکل ۲۰۰۰ لیر ایتالیا

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحه برانداخت

هستند. مجلس قبلاً تصویب کرده بود که این تحقیق و تفحص با "اطلاع رهبری" صورت خواهد گرفت. شورای نگهبان نظر داد که این اقدام باید با "اذن رهبری" باشد. برغم اینکه مجلس این پیشنهاد شورای نگهبان را نیز پذیرفت، اما شورای نگهبان به یکباره آنرا انکار کرد و گفت مجلس به هیچ وجه حق دخالت در امور رهبری را ندارد. مجلس تشخیص مصلحت رژیم در واقع برای نظر شورای نگهبان مهربایید زد. به این میگویند حاکمیت مطلق فقهیه. احتمی حق دخالت درنهادهای "تحت امر مستقیم رهبری" را ندارد. خامنه‌ای میلاردها لار از شروتهای جامعه راکه حاصل دسترنج کارگران ایران است به ملک شخصی خود تبدیل نموده و هر سال سودهای بس‌هنگفتی از باتاین شروتهای افسانه‌ای بجیب میزند، اما این حق را به نمایندگان دست ششانه خود در مجلس ارجاع هم نمی‌دهد که با اجازه وی تحقیق و تفحص کذاشی شان را عملی کنند. کسی حق ندارد بداند که در این موسسات عظیم مالی و صنعتی و کشاورزی چه میگذرد، چگونه ثروت های اجتماعی حیف و میل میشوند و چه اختلال های وسو استفاده های مالی صورت میگیرد. چون اگر حتی کنترل و تحقیق و تفحص آبکی مجلس ارجاع هم پذیرفته شود، بیم آن دارد که رسوانی و سو استفاده های مالی اش بر ملاگردد. همانگونه که مدتی پیش ماجراجی دزدی ها و سو استفاده های مالی در بنیاد مستضعفان اندکی بر ملا گردید و سریعاً بر آن سرپوش گذاردن. اما محروم کردن مجلس ارجاع از تحقیق و تفحص درنهادها و سازمانهای تحت رهبری مستقیم خامنه‌ای، دلیل دیگری نیز داشت که به حیطه رقابت‌جناح‌ها باز میگردد. در اینجا مساله دخالت مجلس آینده در امور ارگانهای نظیر صدا و سیما، دستگاه قضائی و نیروهای نظامی و انتظامی پیش می‌آید که می‌باشی از همین حالا جلو آنرا گرفت. جناح خامنه‌ای بهیچ‌وجه حاضر نیست، دخالت جناح رقیب را در این سازمانها، نهادها و ارگانهای حساس دستگاه دولتی تحمل کند. صدا و سیما، دستگاه قضائی، نیروهای نظامی و انتظامی تحت امر مستقیم ولی فقیه‌اند و احتمی حق دخالت در امور آنها و احیاناً کنترل‌شان را ندارد! لذا تنها تحت فرمان واردۀ خامنه‌ای هستند. این را می‌گویند حاکمیت مطلق فقهیه. گروههای طرفدار‌خاتمی بیهوده به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت اعتراف میکنند. حکومت‌اسلامی یعنی همین که مرتضیع به نام خمینی یا خامنه‌ای فرمائزی مطلق باشد.

حکومت اسلامی یعنی همین که استبداد ولی فقیه حاکم باشد. حکومت اسلامی یعنی همین که کسی حق دخالت در امور سازمانها و نهادهای تحت رهبری فقهیه را ندارد. حکومت اسلامی یعنی همین که مدافعين این حکومت فرمانبردار و مطبوع ولی فقیه باشند. کسی که آنها را نمی‌خواهد باید حکومت اسلامی را نفی کند. کسی که خواهان کنترل و نظارت و برقراری روش‌های دمکراتیک است، باید برای برآندازی حکومت اسلامی با تمام مقدساتش، ولی فقیه‌اش و تمام درصفعه ۱۵

تصویب طرح «اصلاح قانون مطبوعات» علیه مطبوعات

رئیس کل دادگستری استان و رئیس شورای شهر افزوده شد، تابدینظریق جناح مسلط هیئت حاکمه نقش اصلی رادراننتخاب اعضاً هیئت منصفه مطبوعات داشته باشد. در ترکیب هیئت نظارت نیز تغییراتی به نفع همین جناح داده شد و نماینده مدیریت حوزه علمیه قم نیز به جمع هیئت نظارت افزوده شد.

باتصویب طرح "اصلاح قانون مطبوعات" علیه مطبوعات، علاوه بر مجازات‌هایی که در قانون مطبوعات موجود بدرای روزنامه نگاران درنظر گرفته شده بود، مجازات‌های دیگری برای مختلفین از این قانون درنظر گرفته شده است که از جریمه تقاضی آغاز و به شلاق و زندان خاتمه می‌یابد. بنابراین با همین نظر اجمالی به تصویب طرح "اصلاح قانون مطبوعات" میتوان دید که رژیم فعالیت مطبوعاتی را به حد اعلا رسانده است.

از این پس حتی نشریات وابسته به گروههای از طرفداران حکومت اسلامی با محدودیتها و موانع تازه‌ای روپرخواهند بود. هنوز این قانون ظاهر ارسامیت‌نیافتد که تعداد ۱۶ نشانیه میتوانستد، بالاستفاده از امتیاز نشریه دیگر، مجدداً فعالیت مطبوعاتی خود را از سریگردان.

تبصره ۲ ماده ۵، واگذاری امتیاز نشریه را

مگر با تصویب هیئت نظارت ممنوع و جرم اعلام نموده است. تصویب‌این تبصره به منظور جلوگیری از ادامه انتشار روزنامه های توقيف شده، با کسب امتیاز نشریات دیگر است. تاکنون مدیران نشریاتی که توقيف می شدند، میتوانستند، بالاستفاده از امتیاز نشریه دیگر، توقف شدند. تبصره ۲ ماده ۵، این امکان را نیاز آنها سلب نمود.

طرح "اصلاح قانون مطبوعات" نه تنها روزنامه نگاران و نویسندهای بلکه مراکز چاپ و توزیع را نیز هدف اقدامات سرکوبگرانه قرار داده است. از این رو با تصویب این طرح، مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، از چاپ و انتشار و توزیع نشریاتی که توسط دادگاه توقيف شده، منع شده اند در درصورت عدم شرکت در جلسات مجلس و از اکثریت انداختن آن، مانع تصویب این طرح شوند.

اما آنها نه تنها چنین نکردن بلکه برخی از افراد وابسته به این جناح به همین طرح فوق ارجاعی را دادند. با این وجود، نخستین قربانیان تصویب این طرح نیز مطبوعات وابسته به گروههای جبهه دوم خردانند. نشریات این طرح بودند، در آن صورت میتوانستند با خلف به جریمه وزندان محکوم میشوند.

دریک تبصره دیگر، به محکمه روزنامه نگاران و نویسندهای در دادگاههای ضدانقلاب اسلامی و دادگاه ویژه روحانیت جنبه قانونی داده شده است. این بدان معناست که از این پس دادگاه‌های ضدانقلاب اسلامی میتوانند، رسماً روزنامه نگاران و نویسندهای را بالتهام هائی سنگین محکمه و محکوم کنند. تصویب طرح "اصلاح قانون مطبوعات" در همان حال که اقدامی در تشدید اختناق و محدود کردن هرچه بیشتر آزادی مطبوعات بود، کشمکشی میان دو جناح هیئت حاکمه نیز محسوب میشود. با تصویب این طرح تغییراتی در هیئت نظارت بر مطبوعات و هیئت منصفه به زیان جناح خاتمی داده شد. مطابق ماده ۱۷، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و نماینده شورای سیاستگذاری آئمه جماعت به جمع گروه سه نفره وزیر ارشاد،

* مجمع تشخیص مصلحت و منوعیت تحقیق و تفحص در سازمانهای تحت امر خامنه‌ای

و تفحص در "نهادهای تحت امر مستقیم رهبری" را ندارد. این نهادها و سازمانهای از جمله بنیاد مستضعفان و جانبازان، کمیته امداد، تعداد دیگری از کمیته‌ها و بنیادهای رنگارانگ، صدا و سیما، نیروهای نظامی و انتظامی و

در پی کشمکش و اختلاف نظر میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان بر سر مساله حق تحقیق و تفحص در نهادها و سازمانهای تحت نظر مستقیم خامنه‌ای، مجمع تشخیص مصلحت نظر داد که مجلس شورای اسلامی حق تحقیق

یادداشت‌های سیاسی

عموم مردم میرساند. بهرور و بر ملاشدن شکنجه یکی از متهمین، اختلاف و درگیری این دوارگان سرکوب رژیم را تشید کرد. وزیر اطلاعات طی نامه ای به خاتمه از این که پرونده به صورت ناتمام از وزارت اطلاعات گرفته شده است، شکوه‌کردو شکنجه یکی از متهمین رانکار نمود. رئیس جمهور و رئیس قوه قضائی خواستار پیگیری مساله شکنجه شدند. اما گویا این مساله را مختومه اعلام نمودند.

اختلاف و درگیری وزارت اطلاعات و دستگاه قضائی بر سر مساله متهمین ترور حجاریان، درواقع به مساله درگیری های جناح های رقیب هیئت حاکمه و تلاش یک جناح برای ختم فوری ماجراه ترور مرتب میشود. چنین بنظر میرسد که گروهی از طرفداران خاتمه در وزارت اطلاعات در پی این بودند که نیروهای اصلی پشت این ترور را شناسائی کنند. دستگاه قضائی از آن بیم داشت که متهمین زیر شکنجه بازجویان وزارت اطلاعات، آمرین اصلی این ترور را لو دهند. از اینروز است که دادگستری تهران به سرعت دست به کار شد تا متهمین را تحويل بگیرد و بالاخره هم نه تنها آنها را تحويل گرفت، بلکه شکنجه متهمین را نیز بر ملا کرد. اختلاف و درگیری وزارت اطلاعات و قوه قضائی رژیم جلوه‌گیری از فروپاشی و از هم گسیختگی دستگاه دولتی و شکاف عمیق درین دستگاه است.

دستگاه قضائی است رو برو شد. دادگستری تهران خواهان تحويل متهمین به دستگاه قضائی شد. وزارت اطلاعات از اجرای این خواست دستگاه قضائی سرباز زد. بلا فاصله رئیس دادگستری استان تهران نامه تحکم آمیزی به وزیر اطلاعات نوشت واعلام کرد، "رسیدگی به پرونده در تمام مراحل بر عهده قوه قضائیه است . . . هرگونه دستگیری و احضار متهم جدید با حکم و نظر قاضی شعبه مربوط است.

برای پیشگیری از هرگونه احتمال متصور مانند تعزیر، تهدید، اعمال فشار و آسیب زدن به متهمان لازم است متهمان تحويل دادگستری شوند". این درگیری وزارت اطلاعات و قوه قضائی به صدور اطلاعهای از سوی دادگستری استان تهران انجامیده در آن اعلام شده بود، یکی از متهمین توسط بازجویان وزرات اطلاعات شکنجه شده است. جالب است، دهها هزار تن از مردم ایران توسط بازجویان وزارت اطلاعات شکنجه شدن دویه قتل رسیدند و هیچکس از درون دستگاه دولتی صدایش در نیامده دهها هزار انسان را شکنجه کرده اند. بالعکس همه یک زبان هرگونه شکنجه را انکار نمودند. حالا که درگیری باند های درونی هیئت حاکمه پیش آمد است، قوه قضائی حکومت اسلامی از شکنجه یکی از متهمین توسط بازجویان وزارت اطلاعات سخن میگوید و آنرا تقبیح میکند و به اطلاع

نهادها و ارگانهای آن مبارزه کند. تا حکومت اسلامی هست اراده ولی فقیه حاکم است و کسی قادر نخواهد بود، سازمانها، نهادها و ارگانهای تحت امر مستقیم اورا کنترل کند یا در مورد آنها تحقیق و تفحص نماید.

* منازعه وزارت اطلاعات و قوه قضائيه

از هم گسیختگی همه ارکان جمهوری اسلامی را فراگرفته است. نهادها و ارگانهای دستگاه دولتی، باکشمکش ها، اختلافات و تضادهای لایحلی روبرو هستند. هرباند و گروه و چنانی از هیئت حاکمه، حاکمیت خود را در ارگانها و نهادهای تحت اختیار خویش اعمال میکند.

ماجرای ترور حجاریان پرده از کشمکش ها و اختلافات حادوزارت اطلاعات بادستگاه قضائی برداشت. وزرات اطلاعات که در پی یک کشمکش چندروزه پاسپاپ پاسداران، متهمین را تحویل گرفته بود تا نشان دهد که دستگیری و بازجوئی در مردم این قبیل مسائل همچون گذشته با وزارت اطلاعات است، با رقیب دیگری که همان

خلاصه ای از اطلاعه های سازمان در یک ماه گذشته

در بی اعترافات و شورش های ترور ای در تعدادی از شهرهای ایران و اعلام حکومت نظامی در سرستان، سازمان طی اطلاعه ای، در تاریخ ۳ اردیبهشت، اقدامات سرکوبگران رژیم را محکوم نمود در بخشی از این اطلاعه کفته شده است که « در چند روز گذشته، مردم در تعدادی از شهرها دست به شورش زدند. در پی تظاهرات و شورش مردم خلخل، مردم رشت نیز به اعتراض و شورش روی آوردند، با نیروهای سرکوبگر دولتی درگیر شدند و مراکز دولتی را مورد حمله قراردادند. هنوز چند روزی از اعتراض کشته شدند و مراکز دولتی را مورد حمله کردند. امنیتی رژیم در زندگی مردم نگذشته است، که اعتراض و شورش مردم سرستان ایعاد جدیدی به خود گرفته است. مردم شهرستان سروستان واقع در استان فارس در چند روز گذشته دو بار جاده شیراز - فسا را بستند. در ادامه این اقدامات اعتراضی، روز پنجم شنبه و جمعه نیز مردم در خیابانها دست به تظاهرات زدند، بد تعدادی از مراکز دولتی حمله بر دند و خودروهای پلیس را به اتش کشیدند. »

در بخش دیگری از این اطلاعه تیجیگیری شده بود که اعتراض مردم سرستان برغم این که از پی ابطال تعدادی از صندوقهای رای توسط شورای نگهبان صورت گرفت، در واقعیت امر از نارضایتی عمیق مردم از وضع موجود و اتزاج از رژیم جمهوری اسلامی ناشی میگردد.

پس از انتشار خبر ممنوع انتشار شدن روزنامه های فتح و عصر آزادگان و ده فته نامه ایران فدا، اطلاعه ای به تاریخ ۴ اردیبهشت انتشار یافت که تعطیلی این روزنامه ها را نشانه تعریض شده است که « تعطیل این همه روزنامه و مجله در یک روز که تمام آنها از طرفداران خاتمه و برخای مانده رژیم جمهوری اسلامی در ایران هستند، یک بار دیگر بیو بودن ادعای کسانی را نشان میدهد که وعده بهبود اوضاع و به رسیت شناخته شدن حقوق مردم در چارچوب نظم موجود و بالنتیجه معرف کدن مبارزه از سبیر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را افشاء می نماید. تعطیل مطبوعات وابسته به این گروهها را توسط جناح سلطه هیئت حاکمه محکوم میکند. »

در تاریخ ۵ اردیبهشت سازمان مبارزت به انتشار اطلاعه ای تحت عنوان « ۱۲ روزنامه و هفت نامه تعطیل شدند» نمود. در این اطلاعه ضمن محکوم کردن تعزیر این نشریات، تیجیگیری شده است که « تعطیل این همه روزنامه و مجله در یک روز که تمام آنها از طرفداران خاتمه و برخای مانده رژیم جمهوری اسلامی در ایران هستند، یک بار دیگر بیو بودن ادعای کسانی را نشان میدهد که وعده بهبود اوضاع و به رسیت شناخته شدن حقوق مردم در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی را میدهدن. »

فعالیت سازمان در هلنده نیز دریک اطلاعه قانون جدید پناهندگی دولت هلنده را به عنوان تعریض آشکار به حقوق پناهجویان محکوم نمودند. در این اطلاعه گفته شده است که پارلمان هلنده روز ۱۷ آوریل قانونی را تصویب نمود که بعنوان پناهندگی به عنوان پناهندگی به رسمیت شناخته میشوند، اجازه اقامت ۳ ساله داده میشود. (این بدان معناست که پس از انتام ۳ سال، پناهندگی برای تمدید اجازه اقامت خود باید مجدد تقطیع پناهندگی کند).

فعالیت سازمان در یک بیانیه مطبوعاتی نیز اقدام خط هوایی هلنده KLM که خدمه و پرسنل این شرکت را موظف به رعایت ضوابط اسلامی در ایران نموده است، محکوم نمودند.

حکومتی به مراحل بسیار حادی رسیده است و مبارزات کارگران و زحمت کشان در کردستان و در سرتاسر ایران در حال تعیق و گسترش است! دریک کلام درحالیکه شرایط حاضر، سازماندهی انقلابی مبارزات کارگران و زحمتکشان و جنبش از پائین را دردستور کار هر نیروی کمونیست و انقلابی قرار میدهد! در چنین شرایطی آیا شرم آور نیست باب مذاکره با این رژیم ارجاعی را گشود و یا حتی با پیش کشیدن بحث آن، به آماده سازی زمینه های روانی آن پرداخت؟

تا آنجا که به بیانیه اخیر کومه له بر می گردد، موضوع از این قرار است که کو مه له نمی خواهد صرفا شاهد بازار گرمی و نقش آفرینی چریانات بورژوازی در منطقه باشد. کومه له میخواهد خود نیز نقشی در این میان ایفا کند. اشتباه کومه له اما اینست که بجا ای تعیق و گسترش سیاستهای انقلابی و اتكلی به پائین چشم به بالا می دوزد و برای عقب نمادن از بورژوازی می خواهد همان راه بورژوازی را پیماید! کومه له اما نمی تواند چنین سیاستی را به برنامه عمل خویش تبدیل کند، مگر آنکه با کومدله، به عنوان یک تشكیلات سیاسی درحال جنگ با جمهوری اسلامی بکلی وداع کند! که چنین مبارز!

زیرنویس ها:

۱_ نگاه کنید به مصاحبه ابراهیم علیزاده با جهان امروز _ دیماه ۷۷

۲_ مصاحبه ابراهیم علیزاده با جهان امروز _ شهریور ۷۴

۳_ مصاحبه ابراهیم علیزاده با جهان امروز _ شهریور ۷۶

۴_ ازمن باز تکثیر شده مصاحبه عبدالله مهندی با نشریه شماره ۲ " نقطه ۵

۶_ انتشار کیته خارج کشور حزب کمونیست ایران _ سپتامبر ۹۵

۷_ مصاحبه عبدالله مهندی با جهان امروز _ فروردین ۷۴

۸_ از متن سخنرانی عبدالله مهندی در افق سوسیالیسم شماره یک _ فروردین ۷۵

۹_ مصاحبه ابراهیم علیزاده با جهان امروز _ دیماه ۷۷

یادداشت‌های سیاسی

* تصویب طرح «اصلاح قانون مطبوعات» علیه مطبوعات

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه‌های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

K.A.R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I.S.V.W
Postfach 122
Postamt 1061, Wien
Austria

I.S.F
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M.A.M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A.A.A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris
France

P.B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

آلمان

اطویش

دانمارک

سوئد

سوئیس

فرانسه

هلند

انقلاب اسلامی و طبقاتی حاکم برایران مبارزه میکنند، از ۲۰ سال پیش ممنوع است. این ممنوعیت شامل اپوزیسیونهای بورژوائی غیر قانونی نیز بوده است. لذا از این جهت رژیم نگرانی نداشت و نیازی به تصویب یک تبصره دیگر نبود. در واقع هدف اصلی از تصویب این تبصره این بود که فعالیت مطبوعاتی برخی جریانات بورژوائی نیمه قانونی امثال نهضت آزادی، طرفداران منتظری، جنبش مسلمانان مبارز، جبهه ملی و افرادوابسته به آنها را نیز ممنوع کند. منظور از "گروههای غیر قانونی" در این تبصره امثال همین گروههای است.

به علاوه یکی دیگر از اهداف این تبصره، کنترل و محدود کردن بیشتر روزنامه‌های موجود، روزنامه نگاران و نویسندهای است. حالا دیگر هر مقاله‌ای که در آن کمترین انتقادی به جمهوری اسلامی بشود، نویسنده آن در زمرة کسانی است "که علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت و یا تبلیغ میکند".

بنابراین، با تصویب همین تبصره دست رژیم در تعطیل مطبوعات و سرکوب نویسندهای آنها کاملاً بازگاشته شده است.

در تبصره دیگری نیز روزنامه نگاران و

نویسندهای مقالات نشریات با مجازاتها و

جرائم سنگینی تهدید شده اند. برطبق این

تبصره نه تنها مدیرنشریه مسئول نوشتنهای

مندرج در آن است، بلکه همپای او نویسنده

نیز مسئول شناخته شده است. این بدان معناست

که روزنامه نگاران با هراظهارنظر و نوشته‌ای

باید منتظر بازجویی، بازداشت و زندان باشند.

این تبصره به رژیم امکان میدهد که هر روزنامه

نگاری را تحت تعقیب قرار دهد.

دریکی از مواد الحق شده به قانون مطبوعات

هرگونه انتقاد به قانون اساسی جرم و ازموارد

صفحه ۱۴

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

مجلس شورای اسلامی سرانجام طرح "اصلاح قانون مطبوعات" را تصویب نمود و محدودیتهای دیگری بر محدودیت‌های موجود بر آزادی مطبوعات افزود.

هدف جناح اکثریت مجلس پنجم از ارائه این طرح از عمان آغاز این بود که با الحاق چند تبصره و ماده به "قانون مطبوعات" موجود آخرین منافذ آزادی مطبوعات را حتی برگره هائی از طرفداران حکومت اسلامی بینند. دادن امتیاز نشریات را محدود کنند و دست رژیم را در تعطیل مطبوعات و دستگیری روزنامه نگاران و نویسندهای کاملاً بازگذارد. روزنامه سلام یک سال پیش افشا کرد که اصل این طرح توسط وزارت اطلاعات تهیه و تنظیم شده است. به مروری براین مصوبه مجلس آشکار میگردد که رژیم جمهوری اسلامی در تلاش است، در آخرین لحظات حیات ننگین اش، با تشديداختناق، با جنبش اعتراضی مردم ایران مقابله کند و هر انتقاداً ولو جزئی را به رژیم در مطبوعات ممنوع سازد. این مصوبه تا به آنجا ارجاعی و ضد دمکراتیک است که حتی حق انتشار نشریه و فعالیت مطبوعاتی از گروههای سیاسی نیمه قانونی و برخی کسانی که خود را طرفدار خاتمی میدانند نیز سلب کرده است.

دریکی از تبصره‌های الحاقی به قانون مطبوعات، حق فعالیت مطبوعاتی از همه کس به جز ثنا گویان رژیم سلب شده است. این تبصره می‌گوید: "فعالیت مطبوعاتی اعضا و هواداران گروههای ضدانقلاب و یا گروههای غیرقانونی و محکومان دادگاههای انقلاب که به جرم اعمال ضدانقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته‌اند و همین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت و یا تبلیغ میکنند، ممنوع است." همگان واقع اند که فعالیت مطبوعاتی سازمانهای انقلابی که علیه ضد

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 337 may 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورائی

E-Mail:

info@fedaian-minority.org